



جمهوری اسلامی ایران
 قوه قضائیه
 سازمان بازرسی کل کشور

کنترل و پژوهشی

دو هفته نامه علمی / تحلیلی سازمان بازرسی

تأثیر فساد بر درآمدهای مالیاتی در خاورمیانه

۲۱



معاونت برنامه ریزی و مدیریت منابع
 مرکز پژوهش و برنامه ریزی
 معاونت پژوهشی
 مرداد ۱۳۸۹



گزارش پژوهشی

سال سوم، شماره ۲۱، مرداد ۱۳۸۹

تأثیر فساد بر درآمدهای مالیاتی در خاورمیانه

پاتریک امام و داوینا جاکوبز

ترجمه: محمدجواد حق شناس

صاحب امتیاز: سازمان بازرسی کل کشور

مدیر مسئول: حسن صفرخانی

دبیر تحریریه: دکتر نوروز هاشم زهی

مدیر اجرایی: حسین قلجی

صفحه آرایی: مجید مقصودی

معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع

مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی

معاونت پژوهشی

تلفن: ۶۱۳۶۲۰۳۲

مطالب مندرج در این گزارش پژوهشی نشانگر دیدگاه نویسندگان آن بوده و لزوماً نمایانگر دیدگاه سازمان بازرسی کل کشور نمی‌باشد.

کلیه حقوق مربوط به سند حاضر متعلق به سازمان بازرسی کل کشور بوده و هرگونه انتشار مطالب آن بدون کسب اجازه از این سازمان، غیر مجاز می‌باشد.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۵
۱. فساد در مدیریت جمع آوری مالیات	۱۲
۲. مقایسه سیستمهای مالیاتی در کشورهای خاورمیانه.....	۱۸
۳. مطالعه تجربی	۲۸
نتیجه گیری.....	۵۲

پیشگفتار

امروزه مالیات منبع اصلی تامین مخارج اغلب دولت‌ها بالاخص در کشورهای توسعه یافته قلمداد می‌شود. از آنجا که بسیاری از دولتها منبع درآمدی غیر از مالیات ندارند هزینه‌های ارائه خدمات را از طریق جمع‌آوری مالیات از شهروندان خود تامین می‌کنند. با این وجود در برخی کشورها و به ویژه جوامعی که متکی به درآمدهای رانتي از قبیل سوخته‌های فسیلی و منابع طبیعی هستند دولت‌ها خود را بی‌نیاز از مالیات می‌بینند و به همین دلیل، در این کشورها سیستم جمع‌آوری مالیات از کارکرد مناسبی برخوردار نمی‌باشد. وجود درآمدهای رانتي در این کشورها نه تنها دولتها را از اخذ مالیات بی‌نیاز ساخته بلکه باعث گسترش فساد و عدم کارآمدی دولت نیز شده است. در واقع می‌توان گفت بین فساد و کارآمدی سیستم مالیاتی رابطه‌ای دوسویه برقرار است به گونه‌ای که فساد گسترده، نظام مالیاتی را با اختلال مواجه می‌سازد و سیستم ناسالم مالیاتی نیز به فساد دامن می‌زند. از سوی دیگر تحقق شاخص‌های حکمرانی خوب از جمله مشارکت، پاسخگویی، کارآمدی و کاهش فساد مستلزم رفع موانع ارتباط مردم با حکومت است که مالیات یکی از مهمترین

حلقه‌های این پیوند محسوب می‌شود. با توجه به این موضوع، پژوهش‌های زیادی درباره نظام مالیاتی، نقاط قوت و ضعف و راهکارهای رفع موانع پیش‌روی آن در کشورهای مختلف صورت گرفته تا ضمن شناسایی عوامل ناکارآمدی نظام مالیاتی در جهت رفع این موانع اقدام شود. این موضوع مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز بوده و این نهادها پژوهش‌های زیادی درباره نحوه درآمد و هزینه‌های مالیاتی در کشورهای مختلف انجام داده‌اند.

پژوهش حاضر که توسط دو پژوهشگر صندوق بین‌المللی پول انجام شده به برآورد تاثیر فساد بر ظرفیت درآمدزایی بخش‌های مختلف مالیاتی در خاورمیانه می‌پردازد. نویسندگان مقاله در پایان به این نتیجه می‌رسند که سهم پایین درآمدهای مالیاتی در تولید ناخالص داخلی در این منطقه، تا حد زیادی ناشی از فساد است و در این میان برخی از بخش‌های مالیاتی نسبت به سایر بخش‌ها، تأثیر بیشتری از فساد می‌پذیرند. به اعتقاد آنها مالیات‌هایی که مستلزم تماس مکرر بین مقامات مالیاتی و اشخاص می‌باشند مانند مالیات بر تجارت خارجی،

نسبت به سایر مالیات‌ها تأثیر بیشتری از فساد می‌پذیرند. به نظر آنها در صورتی که دولت‌ها بخواهند درآمدهای مالیاتی را افزایش دهند، باید دست به اصلاحاتی بزنند که یا فساد را کاهش دهد و یا باعث افزایش درآمدهای مالیاتی از بخش‌هایی شود که آسیب‌پذیری کمتری از فساد دارند.

متاسفانه در این مقاله وضعیت مالیاتی کشورمان مورد بررسی قرار نگرفته و تنها، شرایط ۱۴ کشور خاورمیانه از جمله مراکش، تونس، مصر، لبنان، اردن، سوریه، سودان، امارات متحده عربی، الجزایر، یمن، عربستان سعودی، بحرین، عمان و لیبی مورد مطالعه قرار گرفته اما این قبیل پژوهش‌ها می‌تواند ضمن شناسایی نقاط ضعف موجود در نظام‌های مالیاتی، زمینه بهره‌مندی از تجارب سایر کشورها را در جهت اصلاح رخنه‌های نظام مالیاتی کشورمان فراهم نماید تا از این طریق امکان رفع برخی خلاهای سیستمی در کشورمان فراهم شود.

مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی سازمان بازرسی کل کشور در راستای انجام وظایف خود و با توجه به اهمیت و نقش مالیات در توسعه کشور، اقدام به ترجمه مقاله حاضر نموده تا از این طریق

ضمن بازشناسی عوامل موثر بر ناکارآمدی نظام مالیاتی، رهنمودهایی
جهت رفع این موانع ارائه کرده باشد.

حسن صفرخانی
رئیس مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی

مقدمه

درک این موضوع که عواید حاصل از نفت، تمام شدنی، ناپایدار و متغیر هستند، منجر به ایجاد اجماع نظری فزاینده در خاورمیانه بر این نکته شده که دولت‌ها باید منابع درآمد مالیاتی‌شان را، که تا حد زیادی به بخش هیدروکربنی وابسته است، تنوع بخشند. به عنوان مثال، بر اساس ماده ۴ گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF) درباره سوریه و یمن در سال ۲۰۰۶، اتمام مخازن نفتی ظرف چند سال آینده (بواسطه مقادیر فعلی استخراج)، ایجاد اصلاحات مالیاتی را به منظور جایگزین کردن درآمدهای رو به کاهش نفتی، ضروری ساخته است. برای کشورهای دارای ذخایر نفتی و گازی عظیم نظیر عربستان، اگرچه افزایش درآمدهای مالیاتی در کوتاه‌مدت ضروری نیست، اما به منظور ایجاد ثبات مالی در بلندمدت، ضرورت دارد.

با این حال، افزایش مالیات‌ها در خاورمیانه بواسطه وجود سیستم مالیاتی پیچیده و رواج فساد، اقدام دشواری است. روش‌های پیچیده و مختلف جمع‌آوری مالیات، تا اندازه‌ای ناشی از شیوه‌های سنتی بریتانیایی و فرانسوی است. بر خلاف شیوه‌های معمول، در برخی از کشورهای خاورمیانه، به جای یک اداره مستقل مالیات،

وزارت دارایی اقدام به جمع‌آوری مالیات‌ها می‌کند؛ در این کشورها، مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، توسط سازمانهای مختلفی جمع‌آوری می‌گردند (مراجعه شود به "کراندال" و "بودین"، ۲۰۰۵). این سیستم‌های پراکنده جمع‌آوری مالیات، الزام مالیات دهنده به پیروی از قوانین را دشوار می‌سازد، با این حال، این بدان معنا نیست که تلاشهای صورت گرفته در خاورمیانه و بویژه در کشورهایی نظیر مراکش و تونس، در جهت بهبود شیوه‌های جمع‌آوری مالیات را انکار کنیم.

دلیل دیگر پایین بودن درآمدهای مالیاتی، رواج فساد سازمانی است؛ شاخص معروف ادراک فساد سازمان شفافیت بین المللی (CPI) در سال ۲۰۰۵، به کل کشورهای خاورمیانه، میانگین نمره ۳/۸ و به کشورهای غیر خلیج فارس حتی نمره پایین‌تر یعنی ۲/۹ از ۱۰ را داده است.^۱ با این حال فساد سازمانی، منحصر به خاورمیانه نمی‌باشد. پدیده فوق، در ادارات مالیاتی و گمرک بسیاری از

۱- شاخص شفافیت بین‌المللی بر مبنای نظرات کارشناسان می‌باشد. این شاخص به منظور ثبت میزان احتمال "درخواست مقامات عالی‌رتبه دولتی برای پرداخت‌های ویژه" و "احتمال پرداخت‌های غیرقانونی در سطوح پایین‌تر دولتی" بر اساس "رشوه‌های مرتبط با مجوزهای صادراتی، کنترل‌های مبادلات ارزی، برآوردهای مالیاتی، حفاظت پلیسی و ناوام‌ها" طراحی شده است.

کشورهای در حال توسعه، از جمله اکثر کشورهای آفریقایی پایین صحرا و بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و آسیا، رواج دارد. با این وجود بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، رتبه خاورمیانه در کل، از ۴/۴ به ۳/۸ کاهش یافته است. حتی اگر تنها کشورهایی را در نظر بگیریم که اطلاعات مرتبط با آنها در هر دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ موجود بوده است، شاخص فوق بدتر شده و به ۴/۳ در سال ۲۰۰۵ رسیده است.^۱

آمار CPI ممکن است دلالت بر آن داشته باشد که خاورمیانه تاکنون تأثیرات منفی فساد بر ادارات مالیات و گمرک را درک نکرده است؛ اما این حرف اندکی گمراه کننده است؛ زیرا کشورهای حاضر در این منطقه، اصلاحات سازمانی‌ای را انجام داده و یا در حال انجام آنها هستند که این اصلاحات گامهای ضروری اولیه برای کاهش فساد، به شمار می‌روند. به عنوان مثال:

۲- مقایسه بین سالها را باید به عنوان یک شاخص در نظر گرفت؛ برخی از کشورهای مشمول در سنچس ۲۰۰۵، در ارزیابی سال ۲۰۰۰ حضور نداشته‌اند.

- بسیاری از کشورها نظیر مصر، اردن و لبنان ادارات مالیاتی منسجم و کارکرد-محوری را تأسیس کرده‌اند و کشورهای فرانسوی زبانی نظیر الجزایر و مراکش نیز، از اوایل دهه ۱۹۹۰، اقدام به تأسیس یک اداره مالیات کارکرد-محور نموده‌اند.
- بسیاری از کشورها (از جمله الجزایر، مصر، لبنان، مراکش و تونس)، رویه‌های خودارزیابی را به کار بسته‌اند که به منظور کاهش تماس‌های بین مالیات‌دهندگان و مقامات مالیاتی (و فرصت‌های مذاکره بین آنها)، ضروری است.
- ورود فناوری اطلاعاتی نیز احتمالاً در کاهش تماس‌های رودرروی مالیات‌دهندگان و مقامات مالیاتی مفید بوده است. این فناوری‌های جدید، امکان ایجاد سیستم‌های بایگانی و پرداخت از طریق بانک‌ها (مثلاً در مراکش و لبنان) و یا به شکل مستقیم توسط مالیات‌دهندگان بزرگ را میسر ساخته‌اند؛ در عین حال، کشورهای دیگری نیز در حال آغاز اجرای سیستم‌های الکترونیکی بایگانی و پرداخت، با تمرکز اولیه بر مالیات‌دهندگان بزرگ می‌باشند (مثلاً مصر، تونس و مراکش).

• نهایتاً اینکه برخی از کشورها، اقدام به روزآمد نمودن رویه‌های گمرکی، همچون فرآیندهای ساده ترخیص و حسابرسی‌های گزینشی بعد از ترخیص، به منظور کاهش فرصت‌های بروز فساد نموده‌اند (اردن، لبنان و مراکش).

بنابراین، مساله این نیست که آیا اصلاحاتی درباره شیوه‌های مالیاتی و گمرکی، در خاورمیانه صورت می‌پذیرد یا خیر، بلکه این است که آیا اصلاحات مذکور، برای کاهش فساد، به اندازه کافی پیشرفت داشته‌اند یا خیر.

نتایج تجربی نشان داده‌اند که فساد، درآمدهای مالیاتی را کاهش می‌دهد (برای مطالعه چکیده‌ای از مطالعات مربوطه مراجعه شود به ابد و گوپتا^۱ ۲۰۰۲). در این مطالعات، توضیحاتی کلی در خصوص افزایش درآمدهای مالیاتی ارائه شده و از اصلاحات سازمانی به عنوان اقداماتی برای تحکیم نقش قوه قضائیه برای محدودسازی فساد، یاد شده است. با این حال، این مطالعات به تأثیر فساد بر کل عواید مالیاتی پرداخته‌اند. این امر باعث غفلت از این واقعیت شده است که مالیاتهای

۱- Abed & Gupta

مختلف، تأثیرات متفاوتی از فساد می‌پذیرند. هدف از این مقاله، بررسی این امر است که چه عواملی باعث می‌شوند ظرفیت درآمدزایی برخی از مالیات‌های خاص در مقابل فساد، آسیب‌پذیرتر باشند. این موضوع به درک بیشتر روش‌های مطلوب سیاستگذاری برای متنوع‌سازی و افزایش عواید مالیاتی، کمک خواهد کرد؛ همچنین سیاستهای مشخصی را به دولت‌ها معرفی می‌کند که به عنوان مثال مبتنی بر تمرکز بیشتر بر مالیات‌هایی هستند که آسیب‌پذیری کمتری نسبت به فساد دارند و یا متمرکز بر اتخاذ شیوه‌های مبارزه مستقیم با فساد می‌باشند.^۱

به خواننده توصیه اکید می‌شود که درباره تفسیر یافته‌ها، جانب احتیاط را رعایت کند. مقاله فوق به شکل کلی به خاورمیانه می‌نگرد؛ بنابراین نتایج آن ضرورتاً بیانگر وضعیت هیچ کشور خاصی نمی‌باشد- باید توجه داشت که تنوع بسیاری در این منطقه وجود دارد. در

۱- هنوز هم می‌توان درآمدهای حاصل از یک نوع مالیات را تا حد قابل ملاحظه‌ای افزایش داد؛ در صورتی که فساد در سطح پایین‌تری باشد، افزایش مذکور بیشتر می‌شود. برعکس، مالیاتی نظیر مالیات غیرمستقیم ممکن است نسبت به فساد، آسیب‌پذیر نباشد، اما هیچ‌گاه پرمفعت هم نخواهد بود. با این حال، چنین مالیاتی بسیار هزینه‌بر بوده و باید از آن اجتناب نمود.

واقع، اصلاح شیوه جمع آوری مالیات و گمرک هم اکنون در بسیاری از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، تبدیل به یک واقعیت شده است.

این مقاله در بخش اول به اختصار به بررسی مشکلاتی می پردازد که فساد برای سیستم جمع آوری عواید در بردارد. بخش دوم ساختار فعلی جمع آوری عواید در خاورمیانه را به صورت کلی توصیف می کند و بخش سوم نتایج یک مطالعه تجربی را به منظور تخمین تأثیر فساد بر ظرفیت درآمدزایی مالیات های مختلف در منطقه، مورد بررسی قرار می دهد. بخش پایانی، اصلاحات قابل انجام در سیستم و شیوه جمع آوری عواید را معرفی می کند.

۱. فساد در مدیریت جمع آوری مالیات

در این مقاله فساد سازمانی، اقدام غیرقانونی یا غیرمجاز یک مقام دولتی تعریف می‌شود که با استفاده از جایگاه خود در ازای ارائه خدمت به یک عضو جامعه (مثلاً یک مالیات دهنده)، اقدام به دریافت رشوه به طور مستقیم یا از طریق یکی از اعضای خانواده یا بستگان نماید. فرصت‌های بروز فساد در سیستم جمع‌آوری عواید، تحت تأثیر تقاضای شرکت‌ها و افراد برای اقدامات فسادآمیز، و عرضه آنها توسط مقامات مالیاتی می‌باشند. تقاضا برای فساد، بواسطه افزایش پیچیدگی سیستم‌های مالیاتی افزایش می‌یابد؛ در عین حال مثلاً در صورتی که قوانین به مقامات مالیاتی آزادی عمل بیش از حدی دهد، عرضه نیز افزایش خواهد یافت.

فساد، یک مشکل چند بعدی است. باید بین عوامل کلی ایجاد کننده فساد در یک کشور و عوامل خاصی که به‌طور ویژه بر فساد در اداره جمع‌آوری مالیات اثر می‌گذارند، تمایز قائل شد. عوامل اثرگذار بر فساد عموماً از حجم فعالیت‌های اقتصادی دولت و مقاماتی که

دارای آزادی عمل بیش از حد هستند گرفته تا سیستم‌های نظارتی دارای پاسخگویی محدود و یا هنجارهای فرهنگی، نوسان دارند. عوامل خاص اثرگذار بر فساد در سیستم مالیاتی، بیشمار بوده اما اغلب در موضوع تماس‌های مکرر بین ادارات مالیاتی و افراد، با یکدیگر مشترک هستند. تماس‌های فوق می‌توانند در حین جمع‌آوری، انجام پرداخت‌های معوقه، شکایات و حتی خدمات به مشتری (مثلاً فروش اطلاعات به مالیات دهنده، و انتشار ارقام یا کارتهای شناسایی مالیاتی به مالیات دهندگان خیالی)، رخ دهند.^۱

با این حال، تأثیر فساد بر عواید مالیاتی، باید محدود شود. فساد در برخی از موارد، شامل مالیات‌دهندگان نمی‌شود و همواره به طور

۱- در میان اشکال محتمل فساد در سیستم جمع‌آوری عواید، فساد در حسابرسی مالیاتی بیشترین تأثیر منفی را بر عواید جمع‌آوری شده، داشته است. اقدامات فسادآمیزی که زمان حسابرسی مالیات‌دهنده رخ می‌دهند را می‌توان بواسطه‌گریز از مالیات یا اظهار پایین تر ارقام مالیاتی، تشریح نمود، زیرا حوزه فوق، محیطی است که مذاکرات دوطرفه در زمینه پرداخت مالیات، معمول است. در بسیاری از کشورها مالیات دهنده‌ای که از عواقب گیر افتادن هراس نداشته باشد، تصمیم به گریز از مالیات خواهد گرفت با این باور که حتی اگر مأموران مالیاتی فرار وی از پرداخت مالیات را تشخیص دهند، می‌توان به حسابرس مالیاتی رشوه داد و از پرداخت مالیات حقیقی، اجتناب کرد.

مستقیم بر عواید مالیاتی تأثیر نمی‌گذارد. به عنوان مثال، زمانی که پست حسابرسی مالیاتی در یک اداره جمع‌آوری مالیات "فروخته" می‌شود و از طریق فرآیند صحیح گزینش، واگذار نمی‌گردد، مالیات‌دهنده به شکل مستقیم در این فساد نقشی ندارد. به همین شکل، اگر یک مالیات‌دهنده به یک کارمند اداره مالیات رشوه دهد تا رسیدگی به فرآیند بازپرداخت مالیاتی را تسریع کند، این امر ضرورتاً منجر به کاهش درآمد مالیاتی نمی‌گردد.

برای تحلیل مسئله فساد در ادارات مالیاتی، دلایل و انگیزه‌های اصلی را باید بررسی نمود. چنین کاوشی می‌تواند توصیه‌های ارزشمندی را برای پیشگیری از فساد در اختیار ما قرار دهد. فارغ از نکات اخلاقی، فساد عمدتاً بواسطه عوامل یا انگیزه‌های زیر حاصل می‌شود:

۱-۱ عوامل مرتبط با سیستم مالیاتی

- یک سیستم مالیاتی پیچیده می‌تواند بروز فساد را تسهیل کند. حساب‌رسان مالیاتی می‌توانند از مالیات‌دهندگان

بواسطه پیچیده بودن قوانین و یا با استفاده از آزادی عمل بیش از حدی که قوانین، مقررات، و رویه‌های مبهم به آنها می‌دهد، رشوه دریافت کنند. مالیات‌دهنده‌ای که بتواند از پرداخت مالیات فرار کند، ممکن است به جای گزارش نمودن درخواست رشوه از سوی حسابرس، تصمیم به پرداخت آن بگیرد.

- نرخ‌های بالای مالیاتی می‌توانند خود بواسطه افزایش انگیزه مالیات‌دهندگان برای فرار از پرداخت مالیات، منجر به بروز بیشتر فساد گردند؛ با این حال، مدارک روشنی مبنی بر تأیید یا رد این فرضیه در دست نیست.^۱
- فقدان مجازات، عامل مهم دیگری برای بروز فساد است. اگر مجازات‌ها به حد کافی شدید نباشند و یا به ندرت اعمال شوند احتمال بروز فساد، افزایش می‌یابد.

۱- تئوری‌ها، همچنین پاسخ روشنی درباره رابطه بین ضرایب مالیاتی و درجه تبعیت از قوانین، فراهم نمی‌آورند. اگر جریمه گیر افتادن، به میزان درآمد یا میزان مالیات مخفی نگه داشته شده وابسته باشد، کاهش ضرایب مالیاتی ممکن است منجر به افزایش یا کاهش تبعیت از قوانین مالیاتی گردد.

- زمانی که شکایت، زمان بر یا پرهزینه باشد، ممکن است مالیات‌دهنده انجام اقدامات فسادآمیز به منظور حل و فصل امور را ترجیح دهد.

۱-۲ عوامل مرتبط با ادارات مالیاتی

- زمانی که پرداخت مالیات، پیچیده و گنگ باشد، و سوسه برای فساد به عنوان یک راه میانبر، هم به منظور صرفه‌جویی در زمان و هم کاهش عدم اطمینان از مبلغ قابل پرداخت به عنوان مالیات، افزایش می‌یابد.^۱
- هنگام تصمیم‌گیری در خصوص درگیر شدن یا نشدن در فساد، افراد ریسک شناخته شدن و مجازات را مدنظر قرار می‌دهند. اگر آنها این احساس را داشته باشند که

۱- یک دلیل احتمالی دیگر برای فساد در ادارات مالیاتی، می‌تواند لذت موجود در "دور زدن سیستم" باشد. انگیزه فوق، برخی از افراد را که بر این باورند که "با هوشتر از بقیه" هستند و از بابت رشوه دادن به حسابرسان مالیاتی، پیش دوستانشان به خود می‌بالند، ترغیب می‌کند. اما شواهد دال بر این فرضیه، کافی نیستند.

سیستم‌ها، ناکارآمد هستند (ریسک کار پایین است) احتمال ورودشان به اقدامات فسادآمیز، افزایش می‌یابد.

- اگر دستمزد پرسنل اداره مالیاتی بسیار پایین باشد، فساد می‌تواند به عنوان شیوه‌ای قابل قبول برای تکمیل درآمد پایین، مدنظر قرار گیرد.

۳-۱ عوامل رفتاری یا فرهنگی

- در سازمانهایی که فساد در آنها رواج دارد، کارمندان درستکار ممکن است بواسطه رفتار دیگران، به سوی فساد سوق داده شوند. کارمندان فاسد نیز زمانی که متوجه شوند شخصی در گروه وجود دارد که کاملاً شرافتمندانه عمل می‌کند این وضعیت را نپذیرفته و فشار وارد می‌کنند. اگر مقامات عالیرتبه اداره مالیات در اقدامات فسادآمیز درگیر باشند، کارمندان سطح پایین‌تر، توجیه دیگری برای درگیری در اقدامات مشابه، می‌یابند.

شواهد جمع‌آوری شده از اقصی نقاط جهان مشخص ساخته است که فساد در ادارات مالیاتی، مشکلی جدی است. در برخی از کشورها

نظیر پرو و اوگاندا، فساد در اداره مالیاتی آنقدر رایج بود که دولت اقدام به تعطیلی آن و راه اندازی یک اداره جدید نمود.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تقاضا برای مشاغل گمرکی که حقوق پایینی دارد، بسیار بالاتر از شغل‌های دولتی با حقوق مشابه می‌باشد که نشان از احتمال کسب درآمدهای مازاد دارد. مدارک شفاهی دلالت بر آن دارند که هر جا فرآیندهای جمع‌آوری عواید به روز شده است، مثلاً از طریق ایجاد یک "اداره کلان مالیاتی" کارآمد و یا رایانه‌ای کردن رویه‌های گمرکی، جمع‌آوری عواید بهبود یافته و فساد کمتر شده است.

۲. مقایسه سیستم‌های مالیاتی در کشورهای

خاورمیانه

جهت تشخیص اینکه کدام یک از انواع مالیات‌ها، بیشتر در معرض بروز فساد هستند، ابتدا باید به تحلیل نحوه تأمین مالی دولت‌ها در خاورمیانه بپردازیم.

در این مطالعه، خاورمیانه معادل کشورهای الجزایر، بحرین،

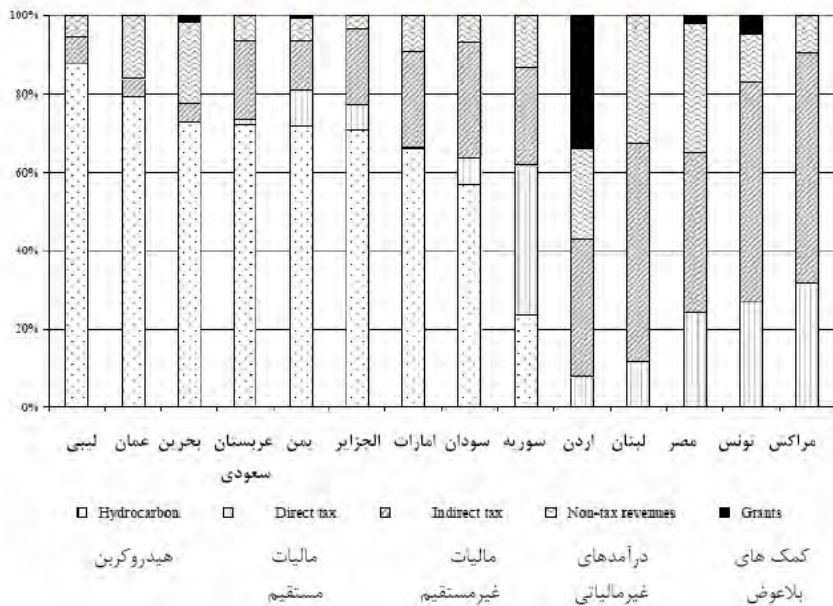
کومور، جیبوتی، اردن، کویت، لبنان، لیبی، موریتانی، مراکش، عمان، قطر، عربستان، سودان، سوریه، تونس و امارات متحده عربی می‌باشد؛ کشورهای عراق، فلسطین و سومالی بدلیل فقدان داده‌ها، حذف شده‌اند.

مالیات مستقیم و غیرمستقیم، نقش زیادی در GDP کشورهای خاورمیانه ایفا نمی‌کند (برای مقایسه با دیگر مناطق، به ضمیمه ۱ مراجعه نمایید). با این حال، اختلاف زیادی بین کشورها در خصوص میزان مالیات، و سهم مالیات‌ها در GDP، وجود دارد.

ساختار درآمدی دولت‌ها در منطقه خاورمیانه، تا حد زیادی تابع موجودیت هیدروکربن‌ها است: کشورهای دارای ذخایر عظیم نفت و گاز، عمدتاً به درآمدهای نفتی و مالیات بر سود، وابسته‌اند؛ آنهایی که فاقد هیدروکربن‌ها هستند (مثلاً مراکش) به مالیات بر منابع غیرهیدروکربنی وابسته‌اند (نمودار ۱). در کل، شورای همکاری خلیج فارس (GCC) که تولیدکنندگان بزرگ نفت می‌باشند، درآمد مالیاتی مستقیم اندکی دارند و عمدتاً به هیدروکربن‌ها و تا اندازه کمتری به درآمدهای غیرمالیاتی دولتی، وابسته‌اند. در این کشورها،

مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم و درآمدهای غیرمالیاتی، سهم بسیار اندکی در عواید دولتی دارند.

نمودار 1: مقایسه منابع عواید دولتی برای کشورهای خاورمیانه، 2004



کشورهای خاورمیانه‌ای که هیدروکربن کمی تولید کرده یا اصلاً فاقد آن هستند (مثل اردن و لبنان)، عمدتاً به مالیات غیرمستقیم و عواید غیرمالیاتی و تا اندازه کمی به مالیات‌های مستقیم، وابسته‌اند. مراکش، تونس و تا اندازه‌ای کمتر، مصر (دو تای آخر تا اندازه‌ای دارای ذخایر

هیدروکربن می‌باشند) تا حدودی به مالیات مستقیم (بیش از ۲۰ درصد) وابسته‌اند، به این دلیل که سیستم مالیاتی‌شان، تا حدودی دارای انسجام می‌باشد.

الگوی مالیاتی فوق، تعجب آور نیست.

۱- برخی از کشورهای دارای ذخایر اندک هیدروکربنی یا فاقد آن، بخش‌های کشاورزی و خدماتی وسیعی دارند که اغلب غیر رسمی بوده و به درآمد پایین روزانه کارگرانی وابسته هستند که به شکلی نامنظم، حقوق می‌گیرند. در نتیجه بخش رسمی، کوچک است؛ این امر در کنار مبنای پایین مالیاتی، تکیه بر سیستم‌های مدرنی نظیر مالیات بر درآمد شخصی را دشوار می‌سازد (مراجعه شود به "تانزی" و "زی"، ۲۰۰۰).

۲- افزایش درآمدها از طریق مالیات‌بندی مستقیم، به اندازه و انسجام اقتصادی و سیاسی طبقه متوسط وابسته است. جمع‌آوری مالیات مستقیم در کشورهای کم‌درآمد که در آن فقرا درآمد پایینی داشته و اغنیا و شرکتهای بزرگ دارای ارتباطات سیاسی بالایی هستند و می‌توانند با دولت

برای پایین آوردن مالیات یا گرفتن معافیت‌های مالیاتی توافق کنند، کار دشواری است. در این کشورها، مالیات غیرمستقیم (از جمله مالیات‌های تجاری)، یکی از منابع اصلی درآمدهای دولتی است، زیرا می‌توان آنها را با هزینه سیاسی نسبتاً پایین-تری محقق ساخت (مراجعه شود به "تانزی" و "زی"، ۲۰۰۰).

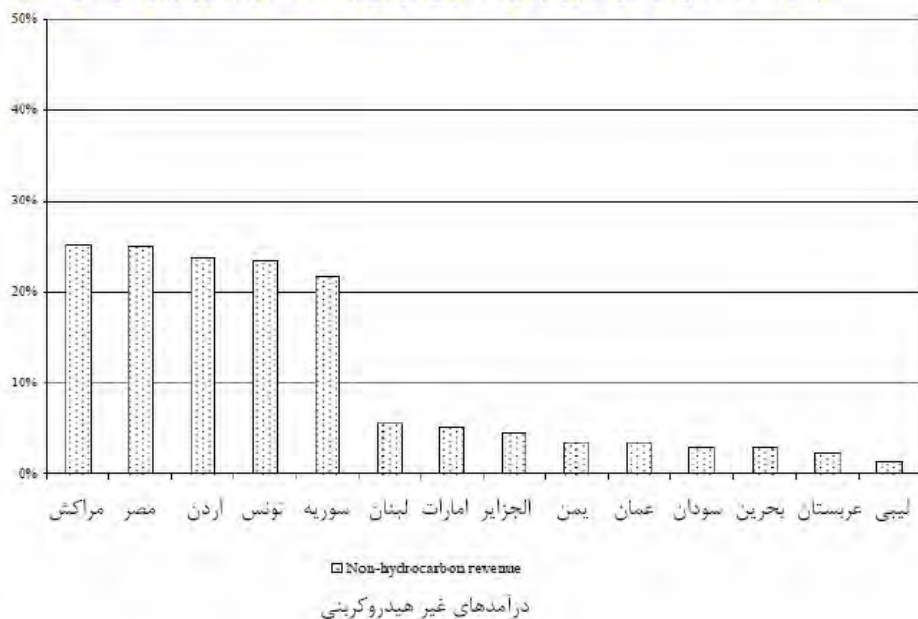
۳- با توجه به اینکه سیستم مالیاتی اغلب در ارتباط با درآمد، کیفیت نسبتاً پایینی دارند، بسیاری از کشورهای خاورمیانه هنوز هم عمدتاً بر منابع درآمدی ساده‌ای نظیر مالیات بر تجارت خارجی، تکیه دارند. با استفاده از سیستم‌های کارآمد جمع‌آوری مالیات هم در کشورهای فاقد هیدروکربن و هم کشورهای تولیدکننده هیدروکربن، می‌توان درآمدهای مالیاتی بالاتری به دست آورد.

گرچه سطح مالیات در GDP در کشورهای تولیدکننده هیدروکربن، پایین است اما در دیگر کشورهای خاورمیانه، بالاست (نمودار ۲). کشورهایی که هیدروکربن کمتری تولید می‌کنند

و یا فاقد هیدروکربن هستند(همچون لبنان، مراکش، اردن، تونس و مصر) دارای سهم بیش از ۲۰ درصد عواید مالیاتی غیرنفتی در GDP می‌باشند. از طرف دیگر، در حالی که کشورهای تولیدکننده هیدروکربن، معمولاً سهم عظیمی از هزینه‌های دولتی را برحسب GDP دارند(۳۰ تا ۴۰ درصد)، با توجه به فراهم بودن عواید نفتی، سهم مالیات بسیار پایین‌تری دارند. اکثر اقتصادهای نفتی، درآمدهای غیرنفتی کمی در اختیار دارند(در حدود ۱۰ درصد GDP). از آنجا که نفت در دهه‌های آتی به اتمام خواهد رسید، وضعیت فوق احتمالاً تغییر خواهد کرد، و باید اصلاحات مالیاتی در سراسر این منطقه، صورت گیرد.

یا دارای هیدروکربن محدود (مصر، تونس و سوریه) نسبت فوق، در حدود ۲۵ درصد است؛ برای کشورهای دارای ذخایر عظیم هیدروکربنی، نسبت فوق معمولاً پایین‌تر از ۵ درصد می‌باشد. لبنان تنها مورد استثنا است؛ زیرا میانگین درآمد سرانه بالایی داشته و در عین حال، نرخ‌های مالیاتی نسبتاً پایینی دارد. منتقدان ممکن است معیار فوق را جهت‌گیرانه بدانند و معتقد باشند مالیات‌هایی نظیر درآمدهای گمرکی که مستقیماً توسط ساکنان پرداخت نمی‌شوند، نباید به عنوان مالیات‌های وضع شده برای مردم در نظر گرفته شوند. با این حال با توجه به اینکه این عوارض گمرکی بر دوش مصرف‌کنندگان داخلی می‌افتد، مسئله فوق همان قدر که در نگاه اول نیز به نظر می‌رسد، حائز اهمیت است و از این رو جهتگیری فوق، کاهش می‌یابد.

نمودار 3: مالیات دولتی غیر هیدروکربنی به عنوان سهمی از GDP غیر هیدروکربنی در سال 2004



بنابراین به منظور حفظ پایداری درآمد مالیاتی در بلندمدت، حذف وابستگی به نفت به صورت تدریجی از طریق تنوع بخشی به منابع مالیاتی (و تغییر از مدل مالیاتی صرفاً وابسته به هیدروکربن ها) استراتژی مطلوبی خواهد بود، زیرا:

۱- خاورمیانه به عنوان یک منطقه، نسبت به مناطق

دیگر جهان با سطوح درآمدی مشابه، مالیاتهای نسبتاً بالایی ندارد (مراجعه شود به ضمیمه ۱).

۲- افزایش شمار موافقتنامه‌های تجارت آزاد (FTAها) در منطقه، یک منبع مهم درآمدهای مالیاتی را از بین خواهد برد و این دلیلی دیگر برای نیاز به متنوع‌سازی مبنای مالیاتی است.

۳- درآمدهای هیدروکربنی، که به هر صورت ناپایدار می‌باشند، نهایتاً به پایان خواهند رسید و بالاخره نیاز به جایگزینی‌شان، احساس خواهد شد. بدین ترتیب، نه تنها بررسی در خصوص درآمدهای غیرهیدروکربنی فعلی، عملی الزامی است، بلکه باید سطح مطلوب آتی هزینه‌های دولتی بر مبنای یک زمینه مالی پایدار را مد نظر قرار داد. با توجه به رشد جمعیت، اقتصادهای فوق، مواجهه با افزایش میزان هزینه‌ها خواهند شد که وجود درآمدهای دولتی بیشتر در آینده را الزامی می‌سازد.

به منظور افزایش سطح مالیاتی، دولت‌های این منطقه باید فساد نسبتاً

بالای موجود را مورد توجه قرار دهند. بخش بعدی، به بیان

مطالعه تجربی ما می‌پردازد که بر اساس آن، می‌توان درآمدهای مالیاتی بیشتری را صرفاً از طریق کاهش میزان بروز فساد در فرآیند جمع‌آوری عواید، محقق ساخت.

۳. مطالعه تجربی

تا آنجا که می‌دانیم، این، اولین مطالعه در زمینه تأثیر فساد بر درآمدهای حاصل از مالیات‌های فردی به جای کل درآمدهای مالیاتی است.

برخی از مطالعات، نشان داده‌اند که فساد، بر کل درآمدهای حاصل از مالیات، تأثیر منفی می‌گذارد. به عنوان مثال، مقالات نوشته شده توسط تانزی و داوودی (۱۹۹۷)، و فریدمن، جانستون، کافمن، و زویدو- لباتون (۲۰۰۰)، شواهدی را فراهم آورده‌اند مبنی بر اینکه کشورهای دارای فساد بیشتر، معمولاً درآمدهای مالیاتی کمتری را نسبت به GDP در شرایط مشابه، کسب می‌کنند.

یکی از مشکلاتی که بر تمامی مطالعات مربوط به سنجش تأثیر فساد بر درآمد مالیاتی اثر می‌گذارد، این است که شناسایی و کمی-

سازی فساد عمل دشواری است، زیرا فساد بواسطه ماهیتش، عملی غیرقانونی و مخفیانه است. مشکل فوق، با در نظر گرفتن این واقعیت که فساد در فرهنگهای مختلف می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد، دشوارتر می‌گردد.

با وجود اینکه نوعی ابهام در تعریف فساد وجود دارد، معمولاً سوءاستفاده از مناصب دولتی در تمامی کشورها به عنوان فساد در نظر گرفته می‌شود- به عنوان مثال مقامات مالیاتی که به منظور کاهش صورت حسابهای مالیاتی، از افراد، درخواست رشوه می‌کنند.

محققان تلاش کرده‌اند تا فساد را با تکیه بر نظرسنجی‌ها، کمی کنند. یک روش، نظرسنجی از کارشناسان و یا شرکتهای می‌باشد. یکی از نقاط ضعف واضح این معیارها این است که تلقی افراد، ضرورتاً برابر با سطح واقعی فساد نیست؛ تلقی ممکن است بهتر باشد، اما اغلب بدتر از واقعیت است. روش جایگزین آن، استفاده از یک شاخص ترکیبی، مرکب از نظرسنجی‌های مختلف کارشناسی و شرکتی است. به عنوان مثال، شاخص فساد سازمان شفافیت بین الملل، بر مبنای میانگینی از نظرسنجی‌های مختلف است. مسلماً این امر نیز امکان‌پذیر است که نظرسنجی‌های مختلف دارای جهت‌گیری مشابهی

باشند و ما را با برآوردی جهتگیرانه، مواجه سازند. به عنوان مثال "وی" (۱۹۹۷) دریافت که میزان همبستگی بین شاخص "تجارت بین الملل"، و "شفافیت بین الملل" که دو معیار متداول فساد می باشند، معادل ۰/۸۸ است.

این همبستگی بالا نشان می دهد استنباط آماری درباره پیامدهای فساد، نسبت به انتخاب شاخص مورد استفاده، آنچنان حساس نیست. با این حال، اگر شاخص های فساد دارای جهتگیری مشابهی باشند ممکن است که تا حد زیادی با یکدیگر همبستگی داشته باشند، اما ضرورتاً با سطح واقعی فساد، همبستگی زیادی ندارند. در عین حال که نقد فوق نقدی معتبر است، این احتمال وجود دارد که ادراک و واقعیت، بسیار با هم مرتبط باشند. با این وجود، نقاط ضعف فوق، خبر از آن می دهند که ما باید نتایج خود را با دقت تفسیر کنیم.

در حالت ایده آل، تأثیر فساد بر مالیات های مختلف را باید به طور خاص، برای هر کشور آزمایش نمود، اما کمبود داده های بلندمدت در خصوص مالیات ها برای هر کشور، دستیابی به استنباط آماری مستحکم، صرفاً با مد نظر قراردادن تنها یک کشور را ناممکن می -

سازد.

در عوض، نتایج کلی باید از روی جداول جاری که خاورمیانه را به صورت کلی تحت پوشش قرار می‌دهند، تعمیم داده شوند- مشاهدات بیشتر، به ما برآوردهای مطمئن‌تری ارائه می‌دهند.

۱-۳ فرضیه و معیارهای تجربی

این بخش می‌کوشد تا تأثیرات فساد بر درآمدها را با توجه به موارد زیر ارزیابی کند:

- (۱) تمامی مالیات‌ها به طور کلی
- (۲) مالیات‌های مرتبط با درآمد، سود و سود سرمایه
- (۳) مالیات‌های مربوط به افراد
- (۴) مالیات‌های شرکتی
- (۵) مالیات‌های مرتبط با نیروی کار و حقوق‌بگیران
- (۶) مالیات بر دارایی
- (۷) مالیات بر کالاها و خدمات
- (۸) مالیات غیرمستقیم و مالیات بر خدمات ویژه

(۹) مالیات‌های تجارت خارجی

(۱۰) عوارض گمرک و الزامات وارداتی دیگر

(۱۱) مالیات بر صادرات

(۱۲) مالیات‌های مشارکت اجتماعی.^۱

نظریات موجود و کتب منتشر شده در خصوص مالیات، منجر به این فرضیه می‌گردند که ظرفیت درآمدزایی مالیات‌های مختلف در اقتصاد، بواسطه متغیرهای مستقل زیر تعیین می‌گردد:

• **درآمد سرانه واقعی:** در صورت برابر بودن تمامی

موارد دیگر، سطح درآمد سرانه بالاتر، احتمالاً منجر به درآمد بالاتر از تمامی مالیات‌ها می‌گردد.

• **سهم کشاورزی در اقتصاد:** ترکیب بخشی

اقتصاد، بر قابلیت آن در افزایش مالیات‌ها تأثیر می‌گذارد. در کشورهای فقیرتر، کشاورزی در کل یک فعالیت ضروری به شمار می‌آید، بنابراین کشورهایی که غالب اقتصادشان بر

۱- تلاش به منظور ارزیابی تفاوت ما بین نرخ رسمی مالیات، و نرخ مؤثر مالیات، به عنوان معیاری از سطح فساد، به دلیل فقدان داده‌ها، امکان‌پذیر نبود.

مبنای آن است، احتمالاً درآمدهای مالیاتی کمتری خواهند داشت.

● **شفافیت اقتصاد:** اقتصادی که باز باشد می‌تواند درآمدهای مالیاتی بالاتری داشته باشد، زیرا یک اقتصاد دارای بخش تجارت خارجی بزرگ، معمولاً اقتصادی است که کاملاً سازمان یافته است و هزینه‌های جمع‌آوری مالیات در آن پایین‌تر است. با این حال، یک استثناء وجود دارد؛ مالیات‌های مرتبط با تجارت بین‌المللی، در اقتصادهای باز و آزاد، کمتر خواهد بود، زیرا دولت‌های فوق می‌کوشند مالیات‌ها را به منظور تشویق تجارت، تا حد ممکن پایین بیاورند (به منظور مطالعه مقاله‌ای انتقادی در خصوص تأثیر شفافیت بر نرخ رشد و مالیات، مراجعه شود به "رودریگز" و "رودریک" ۱۹۹۹).

● **تورم:** متغیر فوق، با اثر سیاست‌های کلان اقتصادی مرتبط است. هرچه وضعیت کلان اقتصادی وخیم‌تر باشد، درآمدهای ناشی از مالیات‌های مختلف، کمتر خواهد بود.

- **فساد** : فساد بیشتر، منجر به کاهش درآمد حاصل از تمامی مالیات‌ها، خواهد گردید.
- عوامل فوق، به فرمول رگرسیون زیر منتهی می‌گردد:

$$\frac{Tax_{ij}}{GDP_{it}} = \alpha_{it} + \beta_{1j} \ln Y_{it} + \beta_{2j} AGR_{it} + \beta_{3j} OPEN_{it} + \beta_{4j} CPI_{it} + \beta_{5j} CORR_{it} + \eta_{ij} + \mu_{it} + \varepsilon_{itj}$$

که i = کشور، t = سال و j = ضریبی است که می‌تواند مابین مالیات‌های مختلف، متفاوت باشد.

در این فرمول، $\frac{Tax_{ij}}{GDP_{it}}$ درآمد مالیاتی غیر هیدروکربنی نسبت به GDP غیر هیدروکربنی می‌باشد؛ $\ln Y$ ، لگاریتم طبیعی سرانه درآمد واقعی و AGR ، نشانگر سهم بخش کشاورزی در GDP می‌باشد؛ "OPEN"، شاخصی برای درجه شفافیت اقتصاد مابقی کشورهای

۱- استفاده از نسبت مالیات‌های غیر هیدروکربنی به GDP غیر هیدروکربنی، به نظر معیار بهتری برای سطح مالیات‌بندی جوامع فوق می‌باشد. هنگامی که از نسبت کل مالیات به کل GDP استفاده می‌شود، نتایج حاصله، تغییر قابل ملاحظه‌ای نمی‌کنند. در صورت درخواست در موارد نیاز، نویسندگان مقاله آمادگی ارائه نتایج فوق را دارند.

جهان است؛ CPI، شاخص قیمت مصرف کننده می باشد و CORR به فساد مرتبط با هر کشور، اشاره دارد. متغیر n_{ij} ، به تأثیر کشور و U_{ij} ، به تأثیر زمانی اشاره دارد. اصطلاح خطای E_{itj} ، در فرض ما بین تمامی کشورها و سالها، به طور مشابه و مستقل، توزیع شده است (برای توضیحات بیشتر و اطلاع از منابع اطلاعاتی، به ضمیمه ۲ مراجعه شود). ما از یک رگرسیون تأثیر ثابت ساده به منظور ارزیابی فساد، استفاده نخواهیم کرد، زیرا ممکن است فرمول مذکور، با عدم قطعیت الگو (مثلاً متغیرهای حذف شده) و برآوردهای تجربی نامتناسب مواجه باشد.

عدم قطعیت الگو زمانی که نتوانیم به طور کامل عوامل تأثیرگذار بر درآمدهای مالیاتی را شناسایی کنیم، می تواند ایجاد شود. به عنوان مثال، اگر الگوی تصریح، عواملی را که می توانند بر تبعیت از قوانین مالیاتی تأثیر بگذارند (مثل سرمایه اجتماعی) نادیده بگیرد، ممکن است با عدم تصریح الگوی مذکور، مواجه گردیم. اگر به عنوان مثال متغیرهای دست راستی، به عنوان متغیرهای برونی فرض گرفته شوند، در حالیکه در واقع درونی باشند، برآوردهای نامتناسب، صورت می پذیرند. برای برطرف کردن این دو مشکل، ما از روش

ارزیابی GMM سیستمی استفاده خواهیم نمود. GMM سیستمی، به کنترل انحراف احتمالی فرآیند تصریح، زمانی که متغیرها تا حد زیادی در طول زمان ثابت باشند، کمک می کند. ما از روش ارزیابی GMM اختلافی، استفاده نمی کنیم؛ "باند"، "هوفر"، و "تمپل" (۲۰۰۱)، و "بلوندل" و "باند" (۱۹۹۸) نشان داده اند که روش فوق، در نمونه های قطعی، عملکرد ضعیفی دارد و اگر اندازه نمونه، کوچک باشد و یا اگر مجموعه های زمانی، تا حد زیادی پایدار باشند، ضرایب اشتباهی را پدید می آورد. از طرف دیگر نشان داده شده است که روش ارزیابی GMM سیستمی، موجب افزایش قابل ملاحظه در یکپارچگی و کارایی می گردد.

شاخص مورد استفاده برای فساد، "ICRG" (راهنمای بین المللی ریسک کشوری) است. شاخص هایی نظیر شاخص های "شفافیت بین الملل" و "گزارش توسعه جهانی" صرفاً در سالهای اخیر، فراگیر شده اند؛ در حالی که تا پیش از سال ۱۹۹۵، تنها کشورهای مورد نظر خاصی را پوشش می داده اند. تنها شاخص شناخته شده ای که اکثر کشورهای خاورمیانه را از اوایل دهه ۱۹۹۰ پوشش می دهد،

"شاخص فساد ICRG" است که به طور سالانه توسط "سازمان خدمات ریسک سیاسی"، فراهم می‌آید. نمره شاخص ICRG از صفر (فاسدترین) تا ۶ (کم فسادترین) متغیر است، بنابراین به منظور ساده‌سازی تفسیر آن، اقدام به درجه‌بندی مجدد آن به صورت از ۰ تا ۱۰ نمودیم. آنگاه شاخص فوق را در منفی یک ضرب نمودیم، به طوری که در زمان اجرای رگرسیون مذکور، مقادیر بالاتر شاخص فوق، به معنای فساد بالاتر باشد.

هدف از آنالیز صورت گرفته، ارزیابی یازده نوع مالیات مختلف بر مبنای متغیرهای مستقل مختلف، از جمله فساد در خاورمیانه و تعیین مالیات‌هایی است که بیشترین آسیب‌پذیری را از فساد دارند، می‌باشد. ما یک ارزیابی GMM سیستمی را برای دوره زمانی ۲۰۰۳-۱۹۹۰ در ۱۲ کشور (الجزایر، بحرین، مصر، اردن، لبنان، مراکش، عمان، سودان، سوریه، تونس، امارات، و یمن) انجام دادیم. دیگر کشورهای خاورمیانه بدلیل فقدان داده‌ها، حذف شدند. جدول ۱، نتایج رگرسیون فوق را ارائه می‌دهد.

جدول 1: تأثیر فساد بر مالیات‌های مختلف

مالیات بر دارایی	مالیات بر دستمزد و نیروی کار	مالیات بر شرکت‌ها و بنگاه‌ها	مالیات بر درآمد و سود	مالیات بر سود سرمایه‌ای افراد	کل درآمد مالیاتی	
0.737 (0.626)	-1.432 (***) (0.331)	6.894 (***) (2.630)	-27.509 (***) (3.079)	44.142 (**) (17.054)	173.990 (***) (32.135)	ثابت
-0.042 (0.087)	0.053 (0.046)	-0.479 (0.305)	4.094 (***) (0.416)	5.055 (**) (2.389)	-21.626 (***) (4.501)	بر حسب درآمد واقعی به سرمایه
0.019 (**) (0.008)	0.018 (***) (0.004)	-0.048 (0.036)	-0.088 (***) (0.022)	-0.120 (0.128)	0.026 (0.241)	سهم کشاورزی در GDP
-0.0(**) (0.002)	0.004 (***) (0.001)	-0.005 (0.007)	0.007 (***) (0.003)	-0.003 (0.015)	-0.028 (0.029)	شفافیت
-0.002 (0.002)	0.005 (***) (0.001)	-0.015 (***) (0.009)	-0.008 (***) (0.003)	0.023 (0.015)	0.115 (***) (0.029)	تورم
-0.143 (0.064)	-0.072 (*) (0.037)	-0.405 (*) (0.228)	0.008 (0.052)	-0.345 (0.320)	0.982 (0.603)	فساد
0.328	0.993	0.630	0.630	0.137	0.336	آزمون سارگان (تست P)
88	88	87	88	88	88	تعداد مشاهدات

(*) و (***) و (**) به ترتیب نشان دهنده معنی‌دار بودن در سطح 1٪، 5٪ و 10٪ است.

متغیر وابسته (به درصد GDP غیر هیدروکربنی)	مالیات بر کالا و خدمات	مالیات غیر مستقیم و مالیات بر خدمات خاص	مالیات بر تجارت خارجی	مالیات بر گمرک و سایر الزامات وارداتی	مالیات بر صادرات	مالیات بر مشارکت‌های اجتماعی
ثابت	-51.818 (***) (10.619)	-1.428 (11.568)	56.937 (***) (11.364)	56.063 (***) (11.257)	-0.203 (0.409)	-10.989 (*) (5.899)
بر حسب درآمد واقعی به سرمایه	8.857 (***) (1.488)	-0.304 (1.609)	-8.501 (***) (1.592)	-8.355 (***) (1.577)	0.002 (0.057)	1.909 (**) (0.826)
سهم کشاورزی در GDP	-0.269 (***) (0.076)	0.131 (0.089)	0.358 (***) (0.085)	0.349 (***) (0.084)	0.009 (***) (0.003)	-0.107 (**) (0.044)
شفافیت	-0.007 (0.005)	0.13 (0.001)	-0.001 (0.010)	-0.002 (0.010)	0.001 (0.010)	0.008 (0.010)
نورم	-0.016 (*) (0.010)	0.008 (0.011)	0.013 (0.010)	0.011 (0.010)	0.001 (**) (0.001)	-0.012 (**) (0.005)
فساد	-0.378 (*) (0.199)	0.783 (***) (0.217)	0.959 (***) (0.213)	0.936 (***) (0.211)	0.201 (**) (0.008)	0.127 (0.111)
آزمون سارگان (تست p)	0.458	0.182	0.519	0.517	0.171	0.153
تعداد مشاهدات	88	88	88	88	88	88

(*) و (**) و (***) به ترتیب نشان دهنده معنی دار بودن در سطح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ است.

۲-۳ نتایج اقتصادسنجی

پیش از آنالیز نتایج حاصله، بایستی اعتبار ابزار مورد استفاده در روش GMM سیستمی خود را با استفاده از تست "سارگان" که محدودیتهای پس از تعریف را بررسی می‌کند، مورد آزمون قرار دهیم. فرضیه آزمون فوق این است که متغیرهای ابزاری، با برخی از مجموعه‌های باقیمانده، نامرتب بوده و بنابراین، ابزار قابل قبولی هستند. تست "سارگان" برای تمامی موارد، مقادیر P زیادی دارد که حاکی از عدم نیاز به حذف محدودیت‌های شناسایی مازاد است.

همانطور که پیش‌بینی می‌شد، مالیات‌های مختلف تأثیر یکسانی از درآمد سرانه، سهم کشاورزی، شفافیت، تورم و فساد نمی‌پذیرند زیرا مالیات‌های مختلف، عوامل مؤثر متفاوتی دارند. به عنوان مثال مالیات بر درآمد، از سرانه درآمد، بیش از شفافیت تأثیر می‌پذیرد و مالیات بر صادرات، از شفافیت، بیشتر از تورم تأثیر می‌گیرد. این امر ثابت می‌کند که در برخی از مالیات‌های خاص، فرمولهای رگرسیون نوسان بیشتری را در متغیرهای وابسته نشان می‌دهد، در حالی که برای دیگر مالیات‌ها چنین نیست.

نتایج رگرسیون ما دلالت بر آن دارند که اکثر درآمدهای مالیاتی، تا حد زیادی نسبت به تغییرات در درآمد غیرهیدروکربنی، واکنش نشان نمی‌دهند. تنها مالیات‌هایی که نسبت به تغییرات درآمدی انعطاف‌پذیر هستند (نظیر مالیات بر افراد)، احتمالاً به لحاظ آماری، نسبت به تغییرات درآمدی، تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌پذیرند. این امر می‌تواند نشانگر عوامل مختلفی باشد. اولاً، دولت‌ها وابستگی اندکی به درآمدهای مالیاتی غیرهیدروکربنی دارند. ثانیاً، مالیات‌های فوق، ممکن است برای کالاهایی اعمال شوند که تا حد زیادی بواسطه رشد درآمد، تغییر نمی‌کنند (مثلاً مایحتاج اساسی) و یا به جای مالیات‌های نسبی، مالیات‌هایی مجموع باشند. نابرابری بالای درآمدی نیز می‌تواند انعطاف‌پذیری پایین درآمدهای مالیاتی نسبت به درآمد غیرهیدروکربنی را توجیه کند.

در کل، هر چه سهم بخش کشاورزی در اقتصاد بیشتر باشد، کل درآمد مالیاتی پایین‌تر خواهد بود. استثناء موجود در این زمینه، به مالیات‌های دارای ارتباط مستقیم با بخش کشاورزی مرتبط است، به طوری که کشورهایی که در آنها کشاورزی سهم بالاتری در اقتصاد دارد، مالیات بر درآمد بالاتری را دریافت می‌کنند.

این امر ممکن است صرفاً بیانگر این واقعیت باشد که زمانی که اقتصاد، توسعه یافتگی کمتری داشته باشد، دولت‌ها مالیات بیشتری برای بخش تجاری وضع می‌کنند، زیرا به لحاظ اجرایی جمع‌آوری مالیات در این بخش، ساده‌تر است.

درجه شفافیت و تورم، تأثیری سیستماتیک بر اکثر درآمدها ندارند. شفافیت عاملی غیرمعنی‌دار در جمع‌آوری عواید در ارتباط با اکثر مالیات‌ها است، احتمالاً به این دلیل که مالیات‌های اندکی از شفافیت اقتصاد، تأثیر مستقیم می‌پذیرند. اینکه عواید مالیاتی مستقیم، در طی دوره‌های تورم بالا، کاهش می‌یابند (اثر "تانزی") در اکثر موارد، آشکار نیست؛ تأثیر هرگونه تورم بر اکثر مالیات‌های جمع‌آوری شده، معمولاً مثبت است. این امر ممکن است به این دلیل باشد که کشورهای حاضر در آنالیز ما، اقتصاد نسبتاً پایداری دارند و یا اینکه فاصله موجود در پرداخت مالیات‌ها در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، زیاد نیست که این امر موجب محدودیت اثر تانزی می‌گردد.

فساد، تأثیر آماری قابل ملاحظه‌ای بر "مجموع" عواید مالیاتی در

خاورمیانه ندارد. این امر، تعجب برانگیز نیست (مراجعه شود به بخش ۲). عوامل مؤثر مختلفی وجود دارد که هر کدام به شکل متفاوتی بر جمع آوری مالیات‌های مختلف، تأثیر می‌گذارند. ما ضرورتاً توقع آن را نداشتیم که بواسطه جمع‌بندی تمامی عواید مالیاتی، رابطه مثبتی بین فساد و عواید مالیاتی پیدا کنیم. در عوض اثرگذاری واقعی فساد را باید بواسطه آنالیز هر کدام از مالیات‌ها به صورت منفرد، مشاهده نمود. زمانی که مجموع مالیات‌ها به چند گروه تقسیم‌بندی می‌شوند، نتایج دلالت بر آن دارند که مالیات‌های مستلزم تماس‌های مکرر بین مقامات مالیاتی و افراد (از جمله مالیات‌های تجاری)، بیشترین تأثیر را از فساد، می‌پذیرند. مالیات‌های مرتبط با صادرات، گمرک و دیگر الزامات وارداتی و مالیات‌های تجارت خارجی، که منابع مهم درآمدزایی در خاورمیانه هستند، همگی تأثیرات منفی و به لحاظ آماری قابل ملاحظه‌ای از فساد می‌پذیرند.

چرا مالیات‌های تجاری در خاورمیانه، تحت تأثیر فساد قرار می‌گیرند؟ زیرا:

۱. آنها اغلب، تابع مقررات قدیمی بوده و مملو از تمایزات و معافیت‌های متنوع برای کالاهای مختلف می‌باشند.

۲. به دلیل شیوه‌های قدیمی جمع‌آوری مالیات، رویه‌های کنترلی، مستلزم نظارت فیزیکی بالایی است که خود منجر به تماس‌های مکرر در خصوص محصولات با ارزش و حجم بالا، می‌گردد.

۳. هزینه‌های پیروی از قوانین رسمی مرزی برای تجار، بالا بوده و حدود ۲۷ درصد از ارزش محموله می‌باشد. فساد پرداختی به مأموران مرزی که آزادی عمل بسیار بالایی دارند (مثلاً به منظور پرهیز از تأخیر در تحویل محموله)، می‌تواند به تنهایی ۱۰ درصد به هزینه‌ها بیافزاید.

۴. در حالی که اکثر کشورهای خاورمیانه، پیشرفت‌هایی را در استراتژی، قانون، رویه‌ها و تکنولوژی اطلاعات در ادارات گمرکی داشته‌اند (جدول ۲)، ساختار سازمانی و فرآیندهای سازمانی که هدایت‌کننده انسجام و کارآیی در ادارات گمرکی می‌باشند، به ندرت پیشرفت کرده‌اند. نیاز به اصلاح نحوه جمع‌آوری مالیات، مدت زمان طولانی است که مشخص شده است اما در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، "ادارات گمرک [به علت] مخالفت عمومی با اختلال ناگزیر سازمانی که ابتکارات نو سازی در بر دارند [و به جهت]

تأثیری که رویه های ساده شده و فرآیندهای شفاف بر فرصت های موجود برای فساد و رانت خواری، می گذارند... نسبت به پذیرش ابتکارات نو سازی، مردد بوده اند."

جدول ۲. کیفیت مدیریت گمرک در کشورهای منتخب خاور میانه: اوایل دهه ۹۰ و سال ۲۰۰۵

الجزایر		مصر		اردن		لبنان		مراکش		عربستان سعودی		سودان		یمن	
۱۹۹۰	اکنون	۱۹۹۰	اکنون	۱۹۹۰	اکنون	۱۹۹۰	اکنون	۱۹۹۰	اکنون	۱۹۹۰	اکنون	۱۹۹۰	اکنون	۱۹۹۰	اکنون
خیر	بله	خیر	بله	خیر	بله	خیر	بله	خیر	بله	خیر	بله	خیر	طرح	خیر	بله
۵	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۲	۵	۱	۳	۱	۵
روش‌های مؤثر گمرکی															
۲	۴	۲	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۲	۴	پایه	۳	۲	۳
تائید پس از ترخیص															
خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر
سازماندهی مؤثر															
خیر	۴	خیر	۳	خیر	۳	خیر	۳	خیر	بله	خیر	۴	خیر	خیر	خیر	خیر
استفاده از فناوری اطلاعات															
ضعیف	۳	خوب	۳	پایه	۶	ضعیف	خوب	پایه	۳	پایه	۳	پایه	۶	ضعیف	۶

با این حال لازم به تأکید است که در آینده، احتمالاً درآمدهای حاصل از مالیات‌های تجاری، به دلیل شمار فزاینده FTAها در منطقه، کاهش خواهد یافت که دلالت بر آن دارد که شدت فساد در ادارات گمرکی رو به نزول خواهد گذاشت.

دیگر گروه مالیاتی تحت تأثیر فساد، مالیات‌های غیرمستقیم و مالیات بر خدمات ویژه می‌باشد. مالیات‌های غیرمستقیم، بر تولید کالاهای با انعطاف‌پذیری پایین، اعمال می‌شوند. با توجه به اینکه حین اعمال مالیات‌های غیرمستقیم، معمولاً از نظارت فیزیکی استفاده می‌شود، مالیات‌های فوق، مشابه با حوزه گمرکی، انگیزه‌هایی را برای اقدامات مالیاتی فسادآمیز، ایجاد می‌کنند. قاچاق دائم و دیگر اشکال فرار از مالیات، نشان می‌دهند که چرا فساد، در زمینه مالیات‌های غیرمستقیم، رواج دارد (مثلاً در خصوص سیگار). افراد بواسطه پناه بردن به انواع مختلف فساد، انگیزه بالایی برای پرهیز از پرداخت مالیات سنگین، دارند که این امر خود منجر به کاهش ظرفیت جمع‌آوری مالیات می‌گردد.

مالیات‌های مستقیم شرکت‌ها و افراد، تا حد زیادی تحت تاثیر

فساد، نیستند؛ میزان ۱۰ درصدی مطرح در این مورد، اهمیت بالایی ندارد. این امر در نگاه اول، شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد. به عقیده عموم، جمع‌آوری مالیات‌های مستقیم، زمانی که اداره مالیاتی، قدرتمند نباشد، دشوار خواهد بود. تأثیر کم اهمیت فساد می‌تواند تا اندازه‌ای ناشی از ایجاد "ادارات مالیاتی بزرگ" (LTOها) باشد که بر مالیات‌بندی افراد ثروتمند، شرکتهای دولتی، و شرکت‌های چند ملیتی که فعالیت‌شان به سادگی قابل نظارت است، متمرکز هستند. بسیاری از کشورهای خاورمیانه، در نوسازی ادارات جمع‌آوری عواید، پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. به عنوان مثال اردن در اکتبر ۲۰۰۴، بواسطه تقسیم‌بندی مالیات‌دهندگان به گروههای بزرگ، متوسط و کوچک، یک LTO مالیات بر درآمد تلفیقی را افتتاح نمود و الجزایر و مصر نیز اخیراً، اقدام به راه‌اندازی LTOهای تلفیقی نموده‌اند. از طرف دیگر، تأثیر آماری کم‌اهمیت فساد بر این مالیات‌ها می‌تواند صرفاً به دلیل این واقعیت باشد که مالیات‌های مستقیم، در کل پایین‌تر بوده و بیشتر مورد تبعیت قرار می‌گیرند.

در ارتباط با مالیات‌های غیرمستقیم، از مالیات‌های دارایی گرفته تا مالیات بر کالاها و خدمات، فساد به ظاهر تأثیر آماری قابل ملاحظه‌ای

ندارد. در اینجا هم این اهمیت پایین شاید به دلیل این واقعیت باشد که این مالیات‌ها، عمدتاً بر فعالیت رسمی تأثیر می‌گذارند و حسابهای موجود در بخش رسمی، نسبتاً شفاف می‌باشند.

معنی ضمنی یافته‌های فوق برای خاورمیانه، به این شرح است:

۱. فساد در سطح گمرکی، بیشترین آسیب را به عواید حاصله وارد کرده و باید کاهش یابد. در حالی که مالیاتهای تجاری به عنوان بخشی از GDP، در خاورمیانه نسبت به مناطق دیگر، خیلی بالا نمی‌باشند (مراجعه شود به ضمیمه ۱)، به نظر می‌رسد عواید حاصل از آنها، تا حد زیادی تحت تاثیر فساد می‌باشند. فساد در بخش گمرکی، نه تنها به عواید مالیاتی، بلکه به ظرفیت تجارت نیز آسیب می‌زند. دولت‌ها باید به منظور کاهش گرایش به فساد، معافیت‌ها را کاهش دهند، مالیات‌های تجاری را پایین آورند و سیاستهای فوق را بواسطه تقویت ظرفیت اجرایی بواسطه اصلاح ساختار سیستم جمع‌آوری عواید، تکمیل نمایند.

پرداخت حقوق بیشتر به مجریان نیز باعث کاهش جذابیت

فساد خواهد شد. همین مساله نیز در مورد مالیات‌های غیرمستقیم، مصداق دارد.

۲. فساد بر توانایی این دولت‌ها در ایجاد اشکال دیگر مالیات‌بندی، تأثیری نمی‌گذارد. این امر باید آنها را به ایجاد شیوه‌های مالیاتی مستقیم‌تر در ارتباط با افراد و شرکتها (البته با مدنظر قراردادن تعادل) و مالیات‌های غیرمستقیم (جایی که به نظر می‌رسد فساد، تأثیر کمتری بر عواید مالیاتی دارد و معمولاً گستره‌ای از عواید جانبی را نصیب دولت می‌کند)، ترغیب کند.

جالب توجه آنکه در سرتاسر منطقه، دولت‌ها مالیات‌های غیرمستقیم جدیدی را با عنوان مالیات بر کل فروش (GST) و یا مالیات بر ارزش افزوده (VAT) وضع کرده‌اند یا در حال وضع هستند. مراکش و تونس در اواخر دهه ۱۹۸۰، مصر در ۱۹۹۱ و اخیراً اردن در سال ۲۰۰۱، مالیات‌های فوق را به اجرا گذاشته‌اند و یمن و سوریه نیز به زودی این کار را انجام خواهند داد. کشورهای GCC نیز در حال بررسی مالیات VAT هستند، اما هنوز تصمیمی در این خصوص اتخاذ نشده است. به نظر می‌رسد مالیاتهای غیرمستقیم نظیر GST /VAT

نسبت به فساد، آسیب‌پذیری کمتری دارند، زیرا مقامات مالیاتی آزادی عمل بسیار کمتری در ارتباط با آنها دارند و زمانی که درآمدهای فرعی افزایش یابند، عواید بیشتری از آنها حاصل خواهد شد.

یافته‌های مطالعات ما نیازمند بررسی بیشتر می‌باشد. این مسئله که فساد، تاثیر آماری قابل ملاحظه‌ای بر مالیات‌های خاص ندارد، ضرورتاً بدین معنا نیست که فساد بر ظرفیت درآمدزایی آنها تأثیر نمی‌گذارد. اولاً، ممکن است اصلاحات مالیاتی در خاورمیانه بین ۱۹۹۰ و ۲۰۰۳، تغییراتی ساختاری در کشورهای مختلف ایجاد کرده باشد که مستقیماً در رگرسیون فوق اندازه‌گیری و متناسب‌سازی نشده باشند. با توجه به اینکه انجام اصلاحات مالیاتی، سالها زمان می‌برد، استفاده از متغیرهای مصنوعی دشوار است، زیرا آنها اغلب در کل دوره نمونه‌گیری ما، حکمفرما می‌باشند. ثانیاً اطلاعات، کاملاً متوازن نیستند، به طوری که در ارتباط با بعضی از مالیات‌ها در برخی کشورهای خاص در طی برخی از سالها، میزان جمع‌آوری داده‌ها، پایین بوده و ارجاع به آنها را با ابهام مواجه می‌سازد.

نتیجه‌گیری

اصلاح ساختار مالیاتی و گمرکی، هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، جامه عمل پوشیده است. کشورهای این منطقه در دهه اخیر، مطالعات گسترده‌ای در زمینه اصلاح شیوه جمع‌آوری درآمدهایشان، انجام داده‌اند.

با این حال در سالها و دهه‌های آتی که درآمدهای هیدروکربنی کاهش خواهند یافت، نیاز به اصلاحات بیشتری احساس می‌شود. علاوه بر طراحی اصلاحات، گزینه‌های سیاستگذاری مختلفی وجود دارند که می‌توانند تأثیر فساد بر عواید مالیاتی را به حداقل برسانند. یکی از این گزینه‌ها، تغییر به سوی مالیات‌هایی است که نسبت به فساد، آسیب‌پذیری کمتری دارند. گزینه دیگر، مبارزه مستقیم با فساد خواهد بود.

درباره گزینه اول، دولت‌ها می‌توانند مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم را به منظور حصول درآمد بیشتر در میان‌مدت (بوئژه در کشورهای نفتی‌شان که درآمدهای نفتی‌شان به زودی کاهش خواهد یافت)، افزایش دهند. هم مالیات مستقیم و هم غیرمستقیم، به یک سیستم مالیاتی پیچیده وابسته هستند، به طوری که ادارات جمع‌آوری مالیات

باید در این مسیر، تقویت گردند. محدودیت پیش روی افزایش زیاد درآمدهای مستقیم این است که افزایش آنها به لحاظ سیاسی، به دلیل فشار گروههای ذینفع، آسان نیست. محدودیتهای پیش روی مالیاتهای غیرمستقیم، کمتر می باشند، هرچند آنها نیز مستلزم یک شیوه پیچیده جمع آوری مالیات، هستند؛ از آنجا که این مالیات ها بر همگان تأثیر می گذارند، اقدامات گروهی دشوارتر شده و اعمال نفوذ علیه آنها، ضعیف تر خواهد بود. این امر می تواند تصمیم بسیاری از این کشورها در ایجاد مالیات های VAT/GST در سالهای اخیر یا در آینده نزدیک را توجیه نماید.

نتایج حاصله دلالت بر آن دارند که چنانچه فساد، کاهش یابد درآمدهای دولتی از مالیات بندی می تواند با افزایش مواجه شود (بویره در ارتباط با مالیات های تجاری و غیرمستقیم). بنابراین تقویت ادارات گمرکی باید در اولویت قرار گیرد - اگرچه افزایش تعداد FTAها بواسطه کاهش درآمدهای مالیاتی، خود احتمالاً موجب کاهش تأثیر فساد می گردد. در صورت کاهش فساد، عواید مالیات های غیرمستقیم، افزایش می یابند، بدین معنا که مقامات مالیاتی باید به دقت بر

چگونگی جمع‌آوری مالیاتهای غیرمستقیم، نظارت داشته باشند.

مبارزه با فساد سازمانی به یک عامل حیاتی وابسته است: تعهد سیاسی مقامات ارشد کشور به انجام آن. شیوه‌های بسیاری برای کاهش فساد در ادارات جمع‌آوری عواید، وجود دارند.

یک معیار مؤثر برای کاهش فساد، تغییر انگیزه‌های درون ادارات مالیاتی، بواسطه استخدام و آموزش کارمندان متخصص و تحکیم سیستم‌های کنترل درونی است. اگر یک سازمان، نسبت به فساد از خود تحمل نشان دهد، نهایتاً کارکنانش به فساد عادت خواهند نمود و به این باور خواهند رسید که فساد بودن، مشکلی ندارد. کاهش فساد را می‌توان از طریق آگاه‌سازی کارکنان متخصص در خصوص مسائل ناشی از فساد از طریق آموزش، برنامه‌های آشناسازی، سخنرانی‌ها، سمینارها و ورای همه اینها از طریق الگوسازی توسط مقامات ارشد، محقق نمود. همچنین، پایین آوردن انگیزه‌های کارکنان به انجام اقدامات فسادآمیز، می‌تواند به پایین آمدن فساد در طول زمان کمک کند. به عنوان مثال، یک انگیزه، پرداخت حقوق آبرومندان به متخصصان است، به طوری که بتوانند زندگی مناسبی داشته باشند.

فرآیند فوق باید با یک سیستم مجازات کارآمد، ترکیب شود که می-

تواند در ارتباط با انواع مختلف فساد، متفاوت باشد.^۱ سیستم مجازات فوق همچنین باید، دربرگیرنده افراد فاسد و یا افرادی باشد که کارمندان اداره مالیاتی را به فساد دعوت می کنند.

نوسازی ادارات مالیاتی، نظام کارآمدتری را برای کاهش فساد و افزایش عواید مالیاتی، فراهم می آورد. ارتباطات تلفنی و پستی باید جایگزین تماسهای شخصی شوند. سیستم های کنترلی باید در حوزه های که ریسک فساد در بالاترین سطح قرار دارد، تقویت شوند. در مواقع ممکن، باید از سیستم های کامپیوتری استفاده شود و باید سیستمی برای حسابرسی سیستم های کامپیوتری طراحی شود تا تغییرات فریبکارانه در برنامه ها یا فایل ها را تشخیص دهد. به عنوان مثال، اگر قانون، وجود گواهینامه های پرداخت مالیات را الزام می دارد، انتشار آنها باید به صورت خودکار توسط سیستم کامپیوتری صورت گیرد.

۱- به عنوان مثال، مجازات برای کارمندی که برای تسریع رسیدگی به یک پرونده اداره مالیات، رشوه قبول می کند، نمی تواند همان مجازاتی باشد که برای حسابرسی تعیین می شود که از مالیات دهنده برای کم کردن رقم مالیات رشوه می گیرد. در هر دو مورد، مقامات اداره گمرک باید اخراج شوند، اما مجازاتهای کیفی آنها می تواند متفاوت باشد.

ساده‌سازی سیستم مالیاتی نیز فرصتهای بروز فساد را کاهش خواهد داد. در مواقع امکان، سیستم فوق باید دربرگیرنده ضرایب مالیاتی پایین، معافیت‌های اندک، مبانی مالیاتی آسان، فرمولهای مالیاتی ساده، استفاده وسیع از کسر مالیات از حقوق، استفاده از جداول درآمدی پیش فرض، استفاده از مالیاتهای کمینه و قوانین روشن، باشد. مقامات مالیاتی باید آزادی عمل اندکی داشته باشند. چنین سیستمی نه تنها هزینه‌های تبعیت را کاهش خواهد داد بلکه مشکلات فساد را نیز کمتر خواهد کرد.

نهایتاً اینکه فساد را می‌توان از طریق شفافیت کاهش داد. رسانه‌ها می‌توانند در اینجا به کمک بیابند، اگر نشریات بتوانند فساد را گزارش کنند، مقامات انگیزه کمتری به دریافت رشوه پیدا می‌کنند، زیرا احتمال و هزینه‌های گیر افتادن، بالاتر خواهند بود. شیوه‌های دیگر تقویت شفافیت، اطلاع‌رسانی عمومی در خصوص درآمدهای گزارش شده توسط شرکت‌های بخش هیدروکربنی، مثلاً از طریق عضویت در سازمان "ایجاد شفافیت صنایع استخراجی" (EITI)، مختص کشورهای تولیدکننده هیدروکربن‌ها، است. "EITI" که در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد، هم‌اکنون توسط طیفی از دولت‌های

کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، گروههای جامعه مدنی و صنایع، مورد حمایت قرار دارد. این کار مستلزم آن است که شرکت‌ها (از جمله شرکت‌های دولتی)، پرداختهای کلی خود به دولت را گزارش دهند و دولت، مجموع پرداخت‌های دریافتی را انتشار دهد و بدین ترتیب، اختلافها مشخص گردد. در حال حاضر راهکارهای گزارش شده EITI برای دولتها و شرکتهای ملی و بین‌المللی، گردآوری و تدوین شده است.

هیچ کدام از اصلاحات فوق به منظور افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش فساد، به سادگی قابل اجرا نیست. خاورمیانه در طی سالهای اخیر، اصلاحات اقتصادی بسیاری را صورت داده است که بسیاری از آنها، با موفقیت همراه بوده‌اند، اما برخی از آنها نیز شکست خورده‌اند. هرچند فساد در ادارات مالیاتی را نمی‌توان کاملاً حذف نمود اما باید آن را کاهش داد. این امر مستلزم دولتی است که متعهد به ایجاد یک اداره جمع‌آوری عواید قوی با کارکنان متخصص کارآمد، باشد.

ضمیمه ۱: مقایسه مالیات‌ها بر اساس منطقه

جدول ۱. کلیت دولت مرکزی: درآمد کلی بر حسب منطقه، ۲۰۰۴-۱۹۹۰ / او (بر حسب GDP)

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۳۴/۰۶	۳۴/۹۲	۳۴/۱۹	۳۴/۳۵	۳۴/۱۵	۳۳/۷۹	۳۲/۳۹	۳۲/۴۶	۳۲/۴۴	۳۱/۸۲	۳۲/۴۷	۳۱/۹۴	۳۱/۸۴	۳۱/۵۳	۳۰/۹۵	کشورهای OECD
۳۳/۱۶	۲۸/۱۳	۲۴/۶۷	۲۴/۶۳	۲۴/۰۵	۲۳/۳۰	۲۲/۶۰	۲۳/۱۱	۲۵/۳۵	۲۴/۹۵	۲۲/۲۴	۲۳/۹۸	۲۲/۱۵	۲۲/۲۸	۲۲/۴۳	کشورهای آفریقایی
۲۳/۶۸	۲۲/۵۶	۲۱/۱۰	۲۲/۱۰	۲۱/۲۵	۲۰/۷۵	۱۹/۱۹	۲۰/۲۲	۲۰/۸۲	۲۰/۶۳	۲۰/۰۷	۲۰/۱۰	۱۹/۶۶	۲۰/۷۸	۲۱/۰۸	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۳۵/۶۴	۳۵/۹۵	۳۴/۶۳	۳۴/۵۹	۶۵/۶۵	۳۵/۰۱	۳۴/۱۴	۳۴/۱۱	۳۳/۹۳	۳۳/۱۶	۳۴/۴۷	۳۴/۹۲	۳۵/۰۶	۳۴/۴۲	۳۵/۰۴	کشورهای اروپایی ۳
۲۳/۵۰	۲۴/۷۳	۲۹/۳۰	۲۴/۹۶	۲۵/۰۳	۲۲/۳۳	۲۳/۴۲	۲۵/۳۱	۲۵/۸۵	۲۵/۸۸	۲۵/۹۶	۲۶/۲۴	۲۴/۶۱	۲۵/۳۵	۲۹/۵۱	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۲۵/۵۱	۲۵/۵۲	۲۳/۵۰	۲۳/۶۷	۲۲/۸۹	۲۰/۱۲	۱۹/۷۶	۲۰/۲۷	۱۹/۰۹	۲۰/۰۲	۲۱/۶۷	۲۱/۹۰	۲۰/۳۹	۲۰/۱۲	۱۸/۰۷	کشورهای نیمکره غربی
۲۹/۲۶	۲۸/۶۴	۲۷/۹۰	۲۷/۳۸	۲۷/۱۷	۲۵/۸۸	۲۵/۲۵	۲۵/۹۱	۲۶/۲۵	۲۶/۰۷	۲۶/۱۵	۲۶/۵۱	۲۵/۶۲	۲۵/۷۵	۲۶/۱۸	میانگین ۴

- ۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بودجه عمومی استفاده می‌کنیم.
- ۲- شامل هدایا و مشارکت‌های اجتماعی
- ۳- شامل کشورهای OECD
- ۴- برای هرگونه طبقه‌بندی درآمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند.

منابع تمامی جداول: آمار مالی دولتی (IMF)؛ آمار مالی بین المللی (IMF) و دورنمای اقتصادی جهان (IMF).

جدول ۲. کلیت دولت مرکزی: کل درآمد مالیاتی برحسب منطقه ۲۰۰۴-۱۹۹۰ / (برحسب GDP)

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۲۰/۵۴	۲۰/۸۱	۲۰/۶۶	۲۰/۹۶	۲۰/۸۴	۲۰/۶۶	۲۰/۰۳	۲۰/۳۵	۲۰/۲۵	۱۹/۷۵	۲۰/۲۶	۱۹/۸۲	۱۹/۸۲	۱۹/۹۹	۲۰/۱۱	کشورهای OECD
۲۲/۸۳	۲۶/۹۲	۱۷/۸۲	۱۷/۳۶	۱۷/۷۷	۱۷/۴۷	۱۶/۹۱	۱۷/۳۳	۱۷/۳۲	۱۷/۷۸	۱۶/۵۲	۱۵/۶۷	۱۵/۶۷	۱۵/۵۴	۱۷/۱۶	کشورهای آفریقای
۱۶/۵۲	۱۵/۳۴	۱۴/۲۸	۱۴/۹۳	۱۳/۷۸	۱۳/۷۶	۱۲/۸۵	۱۳/۸۹	۱۴/۳۷	۱۴/۱۹	۱۳/۵۸	۱۳/۰۵	۱۳/۰۵	۱۳/۱۸	۱۴/۰۸	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۱۹/۵۵	۲۰/۱۶	۱۹/۴۷	۱۹/۸۳	۲۰/۶۶	۲۰/۵۷	۲۰/۱۸	۲۰/۷۸	۲۰/۳۶	۱۹/۸۳	۲۰/۸۱	۲۰/۷۳	۲۰/۷۳	۲۰/۹۴	۲۱/۴۰	کشورهای اروپایی ۲
۱۳/۳۴	۱۱/۶۵	۱۴/۱۹	۱۴/۶۲	۱۵/۵۵	۱۲/۴۶	۱۲/۵۲	۱۳/۳۲	۱۳/۶۲	۱۴/۸۸	۱۵/۲۹	۱۳/۵۳	۱۳/۵۳	۱۲/۸۹	۱۲/۷۵	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۱۷/۶۷	۱۷/۰۹	۱۶/۰۵	۱۵/۸۷	۱۵/۷۶	۱۴/۱۷	۱۴/۰۷	۱۴/۵۳	۱۴/۰۸	۱۴/۹۴	۱۵/۷۸	۱۴/۸۱	۱۴/۸۱	۱۴/۰۰	۱۲/۶۰	کشورهای نیمکره غربی
۱۸/۴۶	۱۷/۶۱	۱۷/۰۸	۱۷/۲۶	۱۷/۴۵	۱۶/۵۱	۱۶/۰۹	۱۶/۷۰	۱۶/۶۷	۱۶/۸۹	۱۷/۰۴	۱۶/۲۷	۱۶/۲۷	۱۶/۰۹	۱۶/۱۹	میانگین ۳

۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بودجه عمومی استفاده می‌کنیم.

۲- شامل کشورهای OECD

۳- برای هرگونه طبقه‌بندی درآمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند.

جدول ۳. کلیت دولت مرکزی: مالیات بر درآمد، سود و سود سرمایه بر حسب منطقه، ۲۰۰۴-۱/۱۹۹۰ (بر حسب GDP)

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۱۰/۱۰	۹/۹۱	۹/۷۴	۱۰/۰۴	۹/۶۹	۹/۱۹	۹/۱۰	۹/۲۱	۹/۰۹	۸/۸۱	۸/۹۵	۸/۸۴	۸/۹۷	۹/۳۱	۹/۲۶	کشورهای OECD
۵/۲۳	۵/۸۹	۵/۳۹	۵/۰۵	۵/۱۴	۵/۳۸	۵/۲۶	۵/۵۵	۵/۵۹	۵/۱۵	۴/۹۸	۵/۱۲	۵/۱۲	۴/۸۲	۵/۲۷	کشورهای آفریقایی
۶/۶۳	۶/۵۱	۶/۰۷	۶/۳۷	۵/۱۳	۴/۹۶	۴/۴۳	۴/۶۵	۴/۴۰	۴/۴۹	۴/۵۹	۴/۹۸	۴/۶۸	۴/۶۸	۴/۴۸	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۶/۸۹	۷/۰۷	۷/۱۳	۷/۴۵	۷/۷۳	۷/۴۱	۷/۲۹	۷/۸۳	۷/۶۵	۷/۴۳	۷/۹۸	۷/۹۴	۸/۲۰	۹/۰۹	۹/۰۲	کشورهای اروپایی ۲
۳/۲۸	۲/۷۷	۵/۵۳	۵/۹۴	۶/۷۴	۴/۴۲	۴/۲۲	۴/۹۳	۵/۱۶	۵/۱۶	۵/۰۹	۳/۹۹	۳/۹۴	۴/۲۳	۴/۱۶	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۵/۵۹	۵/۲۲	۵/۰۴	۸/۳۲	۵/۶۰	۴/۰۵	۴/۰۲	۴/۳۰	۴/۰۴	۴/۴۸	۵/۰۵	۵/۲۷	۴/۸۴	۴/۴۷	۴/۱۳	کشورهای نیمکره غربی
۶/۲۸	۶/۲۳	۶/۴۸	۶/۷۰	۶/۶۷	۵/۹۰	۵/۷۲	۶/۰۸	۶/۰۴	۵/۹۲	۶/۱۱	۶/۰۳	۵/۹۶	۶/۰۹	۶/۰۵	میانگین ۳

۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بودجه عمومی استفاده می‌کنیم.

۲- شامل کشورهای OECD

۳- برای هر گونه طبقه‌بندی درآمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند.

جدول ۴. کلیت دولت مرکزی: مالیات بر افراد بر اساس منطقه، ۲۰۰۴-۱/۱۹۹۰ (بر حسب GDP)

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۶/۷۸	۳/۸۶	۶/۷۶	۶/۸۵	۶/۳۵	۶/۲۹	۶/۴۹	۶/۲۹	۶/۳۷	۶/۳۴	۶/۴۵	۶/۴۰	۶/۸۰	۶/۸۹	۶/۷۵	کشورهای OECD
۰/۸۵	۲/۸۲	۲/۳۸	۲/۶۰	۲/۶۸	۲/۹۵	۲/۴۱	۲/۸۴	۲/۸۰	۲/۲۱	۱/۶۶	۱/۷۷	۱/۷۴	۱/۶۲	۱/۷۷	کشورهای آفریقایی
۳/۲۵	۲/۸۹	۲/۶۰	۲/۳۶	۱/۹۳	۱/۹۴	۱/۶۳	۱/۶۱	۱/۵۹	۱/۴۴	۱/۳۶	۱/۴۴	۱/۵۷	۱/۷۱	۱/۶۵	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۴/۱۶	۴/۴۷	۴/۶۷	۴/۷۲	۴/۸۴	۴/۸۳	۴/۸۶	۰/۰۸	۵/۱۴	۵/۰۲	۵/۳۹	۵/۴۸	۵/۹۲	۵/۹۹	۶/۰۱	کشورهای اروپایی ۲
۱/۱۸	۱/۰۲	۱/۰۵	۱/۱۰	۱/۰۴	۱/۵۳	۱/۴۲	۰/۹۳	۰/۶۹	۰/۹۳	۰/۹۳	۰/۹۷	۰/۸۱	۰/۸۲	۰/۷۶	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۲/۳۹	۲/۰۵	۲/۲۴	۲/۳۰	۲/۲۴	۰/۹۳	۰/۹۱	۰/۹۶	۰/۹۵	۱/۲۳	۱/۰۴	۱/۱۴	۰/۸۲	۰/۵۷	۰/۴۶	کشورهای نیمکره غربی
۳/۱۰	۳/۳۵	۳/۲۸	۳/۳۲	۳/۱۸	۳/۰۸	۲/۹۵	۲/۹۵	۵/۹۲	۲/۸۶	۲/۸۰	۲/۸۶	۲/۹۴	۲/۹۳	۲/۹۰	میانگین ۳

۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بودجه عمومی استفاده می‌کنیم.

۲- شامل کشورهای OECD

۳- برای هر گونه طبقه‌بندی درآمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند.

جدول ۵. کلیت دولت مرکزی: مالیات شرکت‌ها و دیگر نگاه‌ها بر اساس منطقه، ۲۰۰۴-۱۹۹۰/۱ (بر حسب

(GDP)

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۳/۱۶	۲/۹۲	۲/۸۳	۲/۸۹	۲/۵۱	۲/۵۶	۲/۳۶	۲/۵۶	۲/۳۹	۲/۱۹	۲/۱۰	۲/۰۱	۱/۷۹	۲/۰۵	۲/۲۶	کشورهای OECD
۴/۰۴	۲/۷۸	۲/۵۱	۲/۰۰	۱/۳۹	۱/۵۴	۱/۵۴	۱/۶۸	۱/۹۵	۱/۹۶	۱/۹۵	۲/۴۸	۲/۴۹	۲/۵۵	۳/۰۶	کشورهای آفریقایی
۲/۷۹	۳/۱۳	۲/۹۲	۲/۸۶	۲/۶۳	۲/۵۲	۲/۲۶	۲/۵۸	۲/۶۲	۲/۳۷	۲/۶۷	۲/۸۹	۲/۴۳	۲/۳۱	۲/۲۴	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۲/۵۷	۲/۴۶	۲/۳۳	۲/۴۶	۲/۵۷	۲/۴۴	۲/۳۰	۲/۵۷	۲/۳۳	۲/۲۵	۲/۴۰	۲/۲۶	۲/۰۹	۲/۷۹	۲/۸۱	کشورهای اروپایی ۲
۱/۸۸	۱/۵۷	۱/۹۲	۲/۳۷	۲/۳۷	۱/۵۱	۱/۷۲	۲/۱۴	۲/۲۸	۲/۲۳	۲/۴۰	۲/۴۲	۳۶۰۲	۲/۶۰	۲/۶۷	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۲/۲۶	۲/۲۴	۱/۸۹	۱/۹۵	۱/۹۸	۱/۸۰	۱/۶۶	۱/۹۷	۱/۸۴	۱/۹۴	۲/۷۰	۲/۷۳	۲/۶۶	۲/۶۱	۲/۴۶	کشورهای نیمکره غربی
۲/۷۸	۲/۲۵	۲/۴۰	۲/۴۲	۲/۲۹	۲/۰۶	۱/۹۷	۲/۲۵	۲/۲۳	۲/۲۳	۲/۳۷	۲/۴۶	۲/۳۰	۲/۴۹	۲/۵۸	میانگین ۳

۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بودجه عمومی استفاده می‌کنیم.

۲- شامل کشورهای OECD

۳- برای هرگونه طبقه‌بندی در آمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند.

جدول ۶. کلیت دولت مرکزی: مالیات بر دستمزد و نیروی کار بر اساس منطقه، ۲۰۰۴-۱۹۹۰/۱ (برحسب GDP)

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۰/۱۷	۰/۲۸	۰/۲۵	۰/۲۳	۰/۲۱	۰/۳۰	۰/۲۶	۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۱۷	۰/۱۵	۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۲۳	۰/۲۶	کشورهای OECD
۰/۲۰	۰/۲۴	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۷	کشورهای آفریقایی
۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۰/۳۷	۰/۴۱	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۳۳	۰/۲۸	۰/۳۰	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۲۶	۰/۳۳	۰/۳۷	۰/۲۸	۰/۵۳	کشورهای اروپایی ۲
۰/۴۲	۰/۴۴	۰/۵۷	۰/۶۰	۰/۶۶	۰/۱۶	۰/۱۷	۰/۱۵	۰/۱۸	۰/۱۵	۰/۱۳	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۱۳	۰/۱۵	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۰/۱۴	۰/۲۸	۰/۱۶	۰/۱۴	۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۱۱	کشورهای نیمکره غربی
۰/۲۴	۰/۳۰	۰/۲۶	۰/۲۵	۰/۲۳	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۸	میانگین ۳

۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بودجه عمومی استفاده می‌کنیم.

۲- شامل کشورهای OECD

۳- برای هر گونه طبقه‌بندی در آمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند.

جدول ۷. کلیت دولت مرکزی: مالیات بر دارایی براساس منطقه، ۲۰۰۴-۱/۱۹۹۰ (برحسب GDP)

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۰/۴۷	۰/۴۹	۰/۵۲	۰/۵۴	۰/۶۳	۰/۶۵	۰/۵۴	۰/۶۷	۰/۶۲	۰/۶۰	۰/۶۸	۰/۶۹	۰/۷۲	۰/۷۳	۰/۷۵	کشورهای OECD
۰/۰۹	۰/۳۶	۰/۲۹	۰/۲۲	۰/۲۵	۰/۲۰	۰/۲۱	۰/۲۴	۰/۲۰	۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۱۰	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۹	کشورهای آفریقایی
۰/۴۸	۰/۴۶	۰/۳۵	۰/۳۴	۰/۴۷	۰/۴۱	۰/۲۹	۰/۳۵	۰/۳۳	۰/۳۴	۰/۳۵	۰/۲۶	۰/۲۸	۰/۳۰	۰/۲۸	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۰/۳۷	۰/۳۸	۰/۴۵	۰/۴۴	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۴۵	۰/۵۵	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۸	۰/۶۱	۰/۶۴	۰/۷۳	۰/۷۹	کشورهای اروپایی ۲
۰/۵۲	۰/۴۵	۰/۴۶	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۳	۰/۲۰	۰/۲۸	۰/۳۱	۰/۳۸	۰/۳۵	۰/۳۴	۰/۲۹	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۱/۱۹	۱/۰۶	۰/۹۷	۰/۸۲	۰/۷۲	۰/۴۱	۰/۱۸	۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۲۱	۰/۳۰	۰/۲۵	۰/۲۸	۰/۳۰	۰/۳۲	کشورهای نیمکره غربی
۰/۵۲	۰/۵۳	۰/۵۱	۰/۴۶	۰/۵۰	۰/۴۲	۰/۳۳	۰/۳۸	۰/۳۴	۰/۳۵	۰/۳۹	۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۴۲	میانگین ۳

۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بودجه عمومی استفاده می‌کنیم.

۲- شامل کشورهای OECD

۳- برای هر گونه طبقه‌بندی درآمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند.

جدول ۸. کلیت دولت مرکزی: مالیات بر کالاها و خدمات بر اساس منطقه، ۲۰۰۴-۱/۱۹۹۰ (بر حسب GDP)

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۹/۵۹	۹/۷۹	۹/۸۴	۹/۷۴	۹/۹۴	۱۰/۰۵	۹/۶۱	۹/۸۲	۹/۸۵	۹/۵۸	۹/۸۵	۹/۳۳	۹۲/۳۴	۹/۱۷	۹/۱۹	کشورهای OECD
۹/۱۷	۶/۴۶	۵/۵۷	۵/۰۶	۵/۲۴	۵/۵۰	۵/۶۵	۵/۲۱	۵/۰۱	۴/۹۶	۴/۵۸	۴/۷۸	۴/۷۱	۴/۵۲	۴/۶۲	کشورهای آفریقایی
۶/۲۶	۶/۱۹	۵/۴۷	۵/۶۵	۵/۴۰	۵/۴۷	۵/۰۳	۵/۲۰	۵/۳۲	۵/۳۱	۵/۰۰	۴/۵۷	۴/۴۷	۴/۳۰	۴/۵۹	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۱۱/۳۴	۱۱/۲۹	۱۰/۹۶	۱۱/۰۱	۱۱/۴۳	۱۱/۴۶	۱۱/۱۱	۱۱/۰۳	۱۰/۷۵	۱۰/۲۴	۱۰/۳۴	۱۰/۰۴	۹/۸۸	۹/۵۸	۳/۸۱	کشورهای اروپایی ۲
۶/۲۹	۵/۷۸	۴/۸۹	۵/۰۵	۵/۲۹	۴/۵۸	۴/۴۷	۴/۴۹	۴/۰۶	۴/۹۰	۴/۷۶	۴/۵۹	۴/۳۸	۳/۹۱	۳/۹۱	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۸/۵۷	۷/۷۷	۷/۶۰	۷/۰۳	۷/۳۳	۷/۴۲	۷/۲۰	۷/۲۳	۶/۹۰	۶/۷۴	۶/۰۴	۵/۹۳	۵/۱۸	۴/۶۵	۴/۱۳	کشورهای نیمکره غربی
۸/۵۴	۷/۳۹	۷/۳۹	۷/۲۶	۷/۴۴	۷/۴۱	۷/۱۸	۷/۱۶	۶/۹۸	۶/۹۶	۶/۷۶	۶/۵۴	۶/۳۳	۶/۰۲	۶/۰۴	میانگین ۳

۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بوجه عمومی استفاده می‌کنیم.

۲- شامل کشورهای OECD

۳- برای هرگونه طبقه‌بندی درآمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند.

جدول ۹. کلیت دولت مرکزی: مالیات غیرمستقیم و مالیات بر خدمات خاص براساس منطقه، ۲۰۰۴-۱۹۹۰/

1) (بر حسب GDP)

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۳/۰۳	۳/۱۷	۳/۱۱	۳/۰۰	۳/۱۱	۳/۲۹	۳/۱۶	۳/۲۵	۳/۳۸	۳/۲۹	۳/۳۶	۳/۱۴	۳/۱۵	۳/۰۰	۲/۸۶	کشورهای OECD
۱/۷۲	۰/۹۲	۱/۲۴	۱/۱۲	۰/۹۶	۱/۵۰	۱/۷۴	۱/۶۱	۱/۴۴	۱/۴۱	۱/۲۲	۱/۳۹	۱/۶۱	۱/۴۳	۱/۳۷	کشورهای آفریقایی
۲/۲۲	۲/۲۴	۲/۱۰	۲/۰۵	۲/۴۰	۲/۱۰	۲/۱۳	۲/۱۸	۲/۰۹	۱/۹۲	۱/۹۷	۱/۹۷	۲/۲۵	۲/۲۳	۲/۲۶	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۳/۲۷	۳/۳۶	۳/۲۴	۳/۱۸	۳/۳۰	۳/۳۴	۳/۲۶	۳/۱۹	۳/۲۹	۳/۲۵	۳/۱۶	۳/۱۹	۳/۰۸	۳/۲۷	۳/۰۴	کشورهای اروپایی ۲
۱/۰۲	۱/۱۴	۱/۱۶	۱/۱۸	۱/۲۸	۱/۵۵	۱/۷۵	۱/۷۶	۱/۶۵	۱/۹۵	۲/۱۰	۱/۸۱	۱/۸۰	۱/۵۸	۱/۵۵	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۲/۳۳	۲/۱۷	۲/۲۰	۱/۸۸	۱/۸۸	۱/۹۴	۲/۰۵	۱/۹۲	۱/۷۰	۱/۷۱	۱/۹۱	۱/۹۰	۱/۷۴	۱/۶۴	۱/۶۴	کشورهای نیمکره غربی
۲/۲۷	۲/۱۷	۲/۱۸	۲/۰۷	۲/۱۵	۲/۲۹	۲/۳۵	۲/۳۲	۲/۲۶	۲/۲۶	۲/۲۸	۲/۲۳	۲/۲۷	۲/۱۹	۲/۱۲	میانگین ۳

۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بودجه عمومی استفاده می‌کنیم.

۲- شامل کشورهای OECD

۳- برای هر گونه طبقه‌بندی درآمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند.

جدول ۱۰. کلیت دولت مرکزی: مالیات بر تجارت خارجی و معاملات بر اساس منطقه، ۲۰۰۴-۱۹۹۰/۲۰۱
(بر حسب GDP)

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۲۱	۰/۲۶	۰/۲۹	۰/۳۱	۰/۳۳	۰/۳۷	۰/۴۶	۰/۴۹	۰/۵۳	۰/۴۷	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۶۰	کشورهای OECD/۴۰۳
۷/۷۱	۷/۴۱	۶/۲۹	۶/۶۷	۶/۷۵	۶/۰۷	۵/۵۹	۵/۹۰	۶/۱۵	۳/۳۷	۶/۶۶	۶/۲۳	۵/۶۰	۵/۹۴	۵/۸۹	کشورهای آفریقایی
۲/۸۲	۱/۸۹	۲/۰۵	۲/۱۶	۲/۳۳	۲/۵۱	۲/۶۹	۳/۱۸	۳/۵۷	۳/۶۱	۳/۱۱	۳/۰۱	۳/۲۵	۳/۴۹	۴/۴۰	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۰/۷۵	۰/۸۰	۰/۵۲	۰/۵۴	۰/۵۸	۰/۶۳	۰/۷۵	۰/۸۰	۰/۸۸	۱/۰۹	۱/۳۵	۱/۴۴	۱/۳۱	۱/۰۲	۱/۱۰	کشورهای اروپایی/4
۱/۸۰	۱/۶۰	۲/۱۶	۲/۱۶	۲/۳۳	۲/۵۹	۲/۹۷	۲/۹۱	۳/۳۹	۳/۷۸	۴/۳۰	۳/۷۳	۴/۰۷	۳/۷۰	۳/۷۰	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۱/۹۹	۲/۶۳	۲/۱۱	۲/۱۱	۲/۰۶	۲/۴۸	۲/۵۳	۲/۷۷	۲/۷۶	۳/۲۲	۳/۶۹	۳/۸۰	۳/۸۷	۴/۰۳	۳/۵۶	کشورهای نیمکره غربی
۲/۵۴	۲/۴۲	۲/۲۲	۲/۳۲	۲/۳۹	۲/۴۳	۲/۴۸	۲/۶۵	۲/۸۷	۳/۲۶	۳/۲۷	۳/۱۲	۳/۱۰	۳/۱۱	۳/۲۱	میانگین 5

۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بودجه عمومی استفاده می‌کنیم.

۲- شامل سود صادرات یا انحصار واردات، سود ارز و مالیات و دیگر مالیاتهای بر تجارت و مبادلات خارجی

۳- کشورهای عضو اتحادیه اروپا درباره مالیات تجارت خارجی به آمار مالی دولت گزارشی ارائه نمی‌کنند.

۴- شامل کشورهای OECD

۵- برای هرگونه طبقه‌بندی درآمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند.

جدول ۱۱. کلیت دولت مرکزی: مالیات بر گمرکات و دیگر الزامات وارداتی بر اساس منطقه، ۲۰۰۴-۱۹۹۰
(بر حسب GDP)

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۰/۱۳	۰/۱۷	۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۲۸	۰/۳۰	۰/۳۴	۰/۳۸	۰/۴۸	۰/۵۱	۰/۵۲	۰/۴۷	۰/۴۹	۰/۴۸	۰/۵۹	کشورهای OECD
۵/۹۱	۵/۰۲	۴/۱۹	۴/۲۱	۳/۹۶	۳/۵۲	۲/۵۷	۲/۹۵	۳/۳۷	۴/۱۱	۳/۶۴	۵/۳۲	۴/۷۴	۴/۹۳	۴/۸۱	کشورهای آفریقایی
۲/۷۲	۱/۷۶	۱/۷۸	۱/۹۱	۲/۱۹	۲/۴۹	۲/۵۵	۲/۷۸	۳/۳۵	۳/۴۰	۲/۸۶	۲/۷۶	۳/۰۲	۳/۲۳	۴/۰۶	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۰/۵۱	۰/۶۸	۰/۳۸	۰/۴۰	۰/۴۴	۰/۵۲	۰/۷۳	۰/۸۴	۰/۸۸	۱/۰۴	۱/۱۸	۱/۲۳	۱/۱۷	۱/۰۳	۱/۰۶	کشورهای اروپایی ۲
۱/۵۷	۱/۳۰	۱/۸۵	۲/۰۶	۲/۲۲	۲/۴۳	۲/۸۲	۲/۷۶	۳/۱۳	۳/۲۷	۳/۳۵	۳/۵۹	۳/۶۱	۳/۲۶	۳/۲۷	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۱/۸۱	۲/۴۹	۱/۹۳	۲/۰۱	۱/۹۵	۲/۳۳	۲/۳۵	۲/۵۸	۲/۵۴	۳/۰۲	۳/۴۴	۳/۳۸	۳/۴۶	۳/۵۴	۲/۹۹	کشورهای نیمکره غربی
۲/۱۱	۱/۹۰	۱/۷۲	۱/۸۰	۱/۸۴	۱/۹۳	۱/۸۹	۲/۰۵	۲/۲۹	۲/۵۶	۲/۵۰	۲/۷۹	۲/۷۵	۲/۷۴	۲/۸۰	میانگین ۳

۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بودجه عمومی استفاده می‌کنیم.

۲- شامل کشورهای OECD

۳- برای هر گونه طبقه‌بندی در آمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند.

جدول ۱۲. کلیت دولت مرکزی: مالیات بر صادرات بر اساس منطقه، ۲۰۰۴-۱/۱۹۹۰ (بر حسب GDP)

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲	کشورهای OECD
۰/۴۱	۰/۴۳	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۳۴	۰/۲۷	۰/۳۶	۰/۵۴	۰/۴۹	۰/۱۵	۰/۴۵	۰/۵۹	۰/۶۸	کشورهای آفریقایی
۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۱۰	۰/۲۴	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۴۰	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۲۴	۰/۲۰	۰/۱۸	۰/۲۰	۰/۳۰	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۰/۲۰	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۱۵	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۲	کشورهای اروپایی ۲
۰/۰۲	۰/۱۳	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۱۳	۰/۲۷	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۴	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۰/۱۵	۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۱۴	کشورهای نیمکره غربی
۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۲۰	میانگین ۳

۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بودجه عمومی استفاده می‌کنیم.

۲- شامل کشورهای OECD

۳- برای هر گونه طبقه‌بندی درآمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند.

جدول ۱۳. کلیت دولت مرکزی: مالیات بر مشارکت‌های اجتماعی بر اساس منطقه، ۲۰۰۴-۱/۱۹۹۰ (برحسب

(GDP

۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۱۰/۱۸	۱۰/۹۹	۱۰/۳۸	۱۰/۱۲	۹/۹۱	۹/۷۴	۹/۱۴	۸/۸۲	۸/۷۲	۸/۴۷	۸/۴۵	۸/۳۳	۸/۰۹	۷/۷۷	۷/۵۰	کشورهای OECD
۲/۱۶	۱/۰۳	۰/۷۷	۰/۲۶	۰/۲۴	۰/۱۹	۰/۲۱	۰/۲۶	۰/۲۵	۰/۲۳	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۲۴	۰/۲۸	کشورهای آفریقایی
۰/۱۲	۱/۰۵	۰/۸۸	۱/۰۰	۰/۵۵	۰/۴۰	۰/۴۵	۰/۳۷	۰/۳۲	۰/۳۳	۰/۲۴	۰/۲۱	۰/۲۳	۰/۱۰	۰/۰۹	کشورهای آسیا و اقیانوسیه
۱۱/۶۶	۱۱/۹۷	۱۱/۲۲	۱۰/۹۴	۱۱/۰۷	۱۰/۷۶	۱۰/۰۲	۹/۵۷	۹/۵۳	۸/۹۵	۹/۳۹	۹/۵۹	۹/۵۰	۸/۵۸	۸/۶۰	کشورهای اروپایی ۲
۱/۷۹	۱/۵۲	۱/۱۷	۱/۱۹	۰/۸۹	۱/۱۲	۰/۹۹	۰/۸۲	۰/۹۳	۱/۰۳	۰/۹۸	۱/۰۷	۱/۰۰	۱/۱۴	۱/۱۷	کشورهای آسیای مرکزی و خاورمیانه
۳/۴۴	۳/۱۶	۲/۷۹	۲/۶۶	۲/۵۷	۱/۹۱	۲/۴۰	۲/۲۶	۱/۷۵	۱/۷۱	۲/۱۸	۲/۲۳	۲/۰۸	۲/۰۷	۲/۱۷	کشورهای نیمکره غربی
۴/۸۹	۴/۹۵	۴/۵۴	۴/۳۶	۴/۲۱	۴/۰۲	۳/۸۷	۳/۶۸	۳/۵۸	۳/۵۴	۳/۵۸	۳/۶۰	۳/۵۱	۳/۳۲	۳/۳۰	میانگین ۳

۱- زمانی که داده‌ها توسط دولت مرکزی گزارش نمی‌شوند از بودجه عمومی استفاده می‌کنیم.

۲- شامل کشورهای OECD

برای هرگونه طبقه‌بندی در آمدی تنها کشورهایی که داده‌هایشان موجود است در محاسبات محسوب می‌شوند

ضمیمه ۲: منابع داده‌ها

مالیات‌ها: پایگاه داده‌های درآمد مالیاتی دپارتمان امور مالی IMF

http://www.int.imf.org/depts/fad/info_guide/info_resources/databases/taxrevenue.htm

درآمد سرانه: آمار مالی بین‌المللی

GDP غیر هیدروکربنی: جداول کشوری IMF

سهم کشاورزی در اقتصاد: شاخص‌های توسعه جهانی

شفافیت: نسبت محاسبه شده به GDP از مجموع صادرات و واردات؛

شاخص‌های توسعه جهانی

تورم: داده‌های CPI؛ آمار مالی بین‌المللی

فساد: شاخص فساد راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری

<http://www.icrgonline.com/>

آدرس: تهران- خیابان طالقانی- تقاطع خیابان
شهید سپهبد قمری- سازمان بازرسی کل کشور
طبقه دوم مرکز پژوهش و برنامه ریزی
تلفن: ۶۱۳۶۲۰۳۲-۶۱۳۶۵۲۱۳

E-mail: Researchcenter.gio@gmail.com

www.gio.ir